

به نام خدا

فهرست مطالب

۱.....	سخن نخست.....
۳.....	موقعیت تهران.....
۵.....	دشمن مشترک ما.....
۷.....	جمع نقیضین.....
۹.....	آتش زیرخاکستر.....
۱۱.....	آمریکا چگونه باید به مدیریت نتایج انتخابات ایران بپردازد.....
۱۳.....	انتخابات ایران به توسعه سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه منجر می‌شود.....
۱۵.....	ایران، اسلام و حاکمیت قانون.....
۱۸.....	روسیه، احمدی‌نژاد و ایران.....
۲۰.....	زمان بحرانی اسرائیل در مورد ایران.....
۲۲.....	کدام مسیر به سمت ایران؟ گزینه‌های استراتژی جدید آمریکا در قبال ایران.....
۲۲.....	مقدمه: انتخاب گزینه‌های سیاست آمریکا در قبال ایران.....
۲۷.....	بخش اول - تحذیر تهران: گزینه‌های دیپلماتیک.....
۲۸.....	فصل اول - پیشنهادی که ایران نباید رد کند: اقناع.....
۳۴.....	فصل دوم - وسوسه کردن تهران: گزینه تعامل.....
۳۸.....	بخش دوم - راهکار نظامی: خلع سلاح تهران.....
۳۹.....	فصل سوم - یک راه را تا انتها رفتن: گزینه تهاجم.....
۴۳.....	فصل چهارم - گزینه اُسیراک.....
۴۶.....	فصل پنجم - واگذاری به بنیامین نتانیا‌هو: تشویق اسرائیل به حمله نظامی.....
۴۹.....	بخش سوم - فروریختن تهران: تغییر حکومت.....
۴۹.....	فصل ششم - انقلاب مخملی.....
۵۵.....	فصل هفتم - الهام بخشیدن به شورش: حمایت از اقلیت‌ها و گروه‌های اپوزیسیون.....
۵۸.....	فصل هشتم - کودتا: حمایت از تحركات نظامی علیه ایران.....

ماهنامه کاوش (۲۹)

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۹۸۰۶

مرداد ماه ۱۳۸۸

دفتر: مطالعات سیاسی

بخش چهارم - بازدارندگی تهران: گزینه مهار (محدودسازی) ۶۱

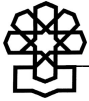
فصل نهم - پذیرش غیرقابل قبولها: مهار ۶۲

نتیجه‌گیری: مهندسی سیاست یکپارچه ایران: تجمیع گزینه‌ها ۶۴

کدام راه به سوی ایران؟ ۶۸



یکی از مهمترین مسائل مؤثر در حوزه سیاستگذاری خارجی، درک شرایط بین‌المللی و اتخاذ سیاست‌های مناسب در پرتو شناخت پشتوانه‌های فکری قدرت‌های رقیب است. این مسئله از طریق آگاهی از رویکردها، برداشتها و نگرش‌های سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نسبت به تحولات نظام بین‌الملل به دست می‌آید و می‌تواند نقش مهمی در روند تصمیم‌سازی یک سیاست خارجی مؤثر داشته باشد. بدین‌منظور ماهنامه کاوش با هدف انتقال چکیده مهمترین مباحث تحلیلی و خبری گروه‌های فکری و پژوهشی و رسانه‌های معتبر بین‌المللی تلاش دارد تا به بررسی عمده‌ترین مطالب ماه گذشته میلادی مجلات علمی، سایت‌ها و پایگاه‌های تحلیل غربی در قبال مسائل ایران بپردازد. بر این اساس در شماره ۲۹ کاوش با توجه به تمرکز بسیاری از مؤسسات پژوهشی بر تحولات سیاسی ایران پس از انتخابات دهمین دوره ریاست جمهوری، مقالاتی در این‌باره و سایر موضوعات جدید مرتبط با روابط خارجی ایران مانند تهدیدات نظامی اسرائیل علیه ایران و رویکرد آمریکا و روسیه در مورد تحولات سیاسی ایران برگزیده شده است. در این زمینه، گزارش مهم مرکز سابان - وابسته به مؤسسه بروکینز - در مورد استراتژی‌ها و سناریوهای آمریکا در قبال ایران که توسط ۶ نفر از استراتژیست‌های آمریکا تدوین شده، به صورت مفصل‌تر پرداخته



شده است. مسلماً درج این مطالب و تحلیل‌ها تنها جهت اطلاع و مراجعه بعدی اندیشمندان و محققان محترم بوده و به منزله قبول و تأیید آنها از سوی دفتر مطالعات سیاسی نیست در همین حال ماهنامه کاوش جهت تقویت و بهبود رویه خود از پیشنهادها و انتقادات اندیشمندان محترم استقبال می‌کند.



عنوان: موقعیت تهران^۱

نویسنده: محسن میلانی

منبع: Foreign Affair^۲

مطالب متعددی در مورد روابط ایران و آمریکا تاکنون نوشته شده است، اما هیچ‌کدام حاوی تحلیل عمیقی از سیاست ایران در قبال آمریکا نیست. این در حالی است که آمریکا در گزارش استراتژی امنیت ملی خود در سال ۲۰۰۶ تأکید کرده است که آمریکا از سوی هیچ کشوری به اندازه ایران دچار چالش نیست. بنابراین مسئله روابط دو کشور حائز اهمیت بسیاری است. در واقع آنچه در آمریکا بیشتر منعکس می‌شود جاه‌طلبی ایران در مورد برنامه هسته‌ای خود و رویکردهای آرمانگرایانه حاکمان ایران است. بر این اساس، سیاست ایران در قبال آمریکا عمدتاً سیاست «زدن و فرار کردن» بوده و رفتار غیرمنطقی و غیرقابل مهار رهبران ایران، مورد توجه مقامات آمریکایی بوده است. نویسنده معتقد است برخلاف رویکرد فوق، ایران دارای سیاست خارجی منطقی مختص به خود است. این منطقه منبعث از جاه‌طلبی نبوده بلکه مبتنی بر محاسبه رویکردها و تهدیدات این کشور است. مهمترین اولویت ایران بقای نظام اسلامی این کشور است. بر این اساس، رویکرد ایران در قبال آمریکا برمبنای بازدارندگی و رقابت در خاورمیانه بنا نهاده شده است. جهت مقابله و پرهیز از درگیری مستقیم با آمریکا و متحدان آن در منطقه ایران به سمت تقویت جنگ نامتقارن، جنگ‌های کم‌شدت، تقویت تجهیزات دفاعی و سیستم موشکی و هسته‌ای

1. Mohsen Milani, "Tehran's Take", Foreign Affairs, July/ August 2009.

۲. یکی از مهمترین نشریات معتبر در حوزه مسائل بین‌الملل.



خود گام برمی‌دارد. از سوی دیگر جهت کاهش قدرت آمریکا در منطقه، ایران درصدد تقویت نفوذ خود در هلال شیعیه و خلیج فارس و آسیای مرکزی است. همچنین ایران تلاش دارد تا مانع هماهنگی آمریکا با کشورهای منطقه علیه خود شود.



عنوان: دشمن مشترک ما^۱

نویسنده: مایکل روبین

منبع: National Review^۲

نویسنده در این گزارش با بررسی تحولات سیاسی ایران پس از انتخابات ریاست جمهوری، به ارزیابی رفتار جریان اپوزیسیون و گروه‌های مخالف و چگونگی عملکرد آمریکا پرداخته است. به اعتقاد نویسنده، در میان گروه‌های اپوزیسیون دو نظر در مورد نقش آمریکا در تحولات سیاسی ایران و حمایت آن از جریان‌های مخالف ایران وجود دارد، چنانچه عده‌ای معتقدند که سیاست‌های آمریکا عملاً زمینه تقویت جریان‌های محافظه‌کار را به وجود آورده است. چنانچه پیروزی احمدی‌نژاد در انتخابات سال ۲۰۰۵ نتیجه اقدامات بوش در قبال ایران بوده است. در واقع از نظر آنان، آمریکا به واسطه عدم حمایت جدی و قاطع از جریان‌های اپوزیسیون و سیاست‌های دوگانه آن در قبال نظام سیاسی حاکم بر ایران، زمینه تداوم وضعیت فعلی را پدید آورده است (چنانچه آمریکا در جریان جنگ دوم خلیج فارس و قیام عمومی مردم عراق علیه صدام نیز با عدم مداخله در سرکوب آنان توسط رژیم بعث زمینه تداوم قدرت صدام در عراق را به وجود آورد). از سوی دیگر برخی از اپوزیسیون‌ها بر اهمیت نقش آمریکا در تحولات سیاسی ایران تأکید دارند. نویسنده معتقد است که در شرایط کنونی ایران، ملاحظات اخلاقی اوپاما کارساز نیست و باید آمریکا به جای حمایت لفظی، اقدامات جدی را در قبال تحولات ایران در دستور کار خود قرار دهد. زیرا که

1. Micheal Rubin, "Our Common Foe", National Review, July 20, 2009.

۲. از نشریات معتبر که به بررسی مسائل بین‌المللی می‌پردازد.



اگرچه ممکن است تظاهرات خیابانی در ایران پایان پذیرد، اما منازعه وسیع‌تر یعنی مناقشه بر سر مشروعیت نظام سیاسی تازه آغاز شده است. در این وضعیت، سیاست‌های بی‌طرفانه اوپاما عملاً نتیجه‌ای دربر ندارد. زیرا که این سیاست عملاً نه مانع برچسب عامل بیگانه به مخالفان و نه مانع اقدامات شدید علیه آنان توسط نظام سیاسی حاکم بر ایران می‌شود.

درواقع این سیاست‌های اوپاما برخلاف سیاست‌های کلیه رؤسای جمهور آمریکا از کارتر تاکنون بوده و به مشروعیت‌بخشی به نظام سیاسی حاکم در ایران منجر شده است. با وجود این تحولات اخیر در ایران باید سبب بازاندیشی اوپاما در مورد نگرش وی در قبال ایران شود. در واقع باید مذاکرات با ایران به‌عنوان تاکتیک و نه استراتژی در نظر گرفته شود. زیرا که ابراز تمایل شدید برای مذاکره و پذیرش مشروعیت نظام سیاسی حاکم، امکان تداوم فعالیت‌های هسته‌ای ایران را به وجود می‌آورد. از سوی دیگر با توجه به اینکه جریان‌های سیاسی مسلط کنونی حامیان اصلی برنامه هسته‌ای ایران هستند. بنابراین پذیرش آنان به‌عنوان دشمن مشترک آمریکا و ایرانیان باید پایه اصلی استراتژی آمریکا در قبال ایران باشد.



عنوان: جمع نقیضین^۱

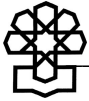
نویسنده: مینیکسین پی و علی وینه

منبع: International Herald Tribune^۲

این گزارش به بررسی تحولات انتخابات اخیر ریاست جمهوری در ایران پرداخته و تلاش کرده است تا با القای تقلب در انتخابات، به ارزیابی مسائل ایران و القای «تداوم بحران در کشور» پردازد. بر این اساس، نویسندگان در ابتدای گزارش با مقایسه انتخابات ایران و چند کشور دیگر مانند زیمبابوه و نیجریه، معتقدند که در ۴۰ سال اخیر در ۱۶ کشور جهان انتخابات مخدوش برگزار شده است که در آنها تحولات پس از انتخابات با توجه به میزان انسجام نخبگان سیاسی حاکم در آن کشورها و حمایت نیروهای نظامی و امنیتی از رژیم سیاسی مدیریت شده است. در این شرایط در صورت ایجاد شکاف میان نخبگان نظام سیاسی و یا عدم حمایت نیروهای نظامی و امنیتی از آنان، نتیجه انتخابات دوام زیادی نداشته و تحولات سیاسی فراگیری در آن کشورها به وجود آمده است. چنانچه در فیلیپین (در انتخابات ۱۹۸۶) تنها پس از ۱۸ روز و در صربستان (در انتخابات ۲۰۰۰) تنها پس از گذشت دو هفته از انتخابات روند تحولات سیاسی دگرگون شده و فرد منتخب مورد پذیرش مردم قرار نگرفته و مجبور به کناره‌گیری شده است. نویسندگان در ادامه گزارش به انقلاب‌های رنگین در کشورهای آسیای مرکزی و قفقاز (گرجستان ۲۰۰۳، اوکراین ۲۰۰۴ و قرقیزستان ۲۰۰۵) اشاره کرده و چگونگی تحولات نظام سیاسی و نقش دیوان عالی این کشورها

1. Minixin Pei, Ali Wyne, "Fixing the Odds", International Herald Tribune, June 25. 2009.

۲. از نشریات معتبر بین‌المللی است.



در مشروعیت‌زدایی از رژیم سیاسی را مورد ارزیابی قرار داده است. به اعتقاد آنان، در ۴۰ درصد از انتخابات مخدوش برگزار شده در نظام‌های سیاسی، آنان توانسته‌اند بر اوضاع مسلط شوند و در بسیاری از آنان منازعات داخلی شدیدی پس از انتخابات، در یک دوره زمانی طولانی‌مدت پیگیری شده است. چنانچه در نیجریه تحولات پس از انتخابات ۱۹۹۲ به شش سال درگیری داخلی خشونت‌بار منجر شد. به دنبال انتخابات هائیتی نیز از سال ۲۰۰۰ تا ۲۰۰۴ این کشور صحنه منازعات شدیدی شده بود. علاوه بر این، پس از انتخابت مغولستان در سال ۲۰۰۸ تعدادی از مردم کشته و مجروح شدند و پس از انتخابات کنیا در سال ۲۰۰۷ نیز در حدود هزار نفر کشته شدند. نویسندگان معتقدند که در همه این موارد، جامعه بین‌المللی ابزار کمی برای تأثیرگذاری بر روند تحولات سیاسی آنان داشته است. زیرا که نخبگان به قدرت رسیده، عملاً به واسطه اینکه چیزی برای از دست دادن نداشته‌اند حاضر به هر اقدامی برای حفظ قدرت خود بوده‌اند. نویسندگان در پایان گزارش تلاش می‌کنند تا با خط‌دهی به جریان اپوزیسیون در ایران آنان را به تداوم راهپیمایی‌ها با استفاده از تکنولوژی‌های جدید ترغیب کنند تا از این طریق امکان تغییر در شرایط کنونی به وجود آید.



عنوان: آتش زیر خاکستر^۱

نویسنده: مسیح علی‌نژاد

منبع: National Democratic Institute^۲

متعاقب برگزاری انتخابات ریاست جمهوری در ایران، آشوب‌های خیابانی و اعتراضاتی در گرفت که نیروهای حامیان سنتی انقلاب را با هم درگیر ساخت و صحنه داخلی این کشور را دستخوش تغییر کرد. پس از خطبه‌ها و نماز جمعه و حمایت رهبری از احمدی‌نژاد، حامیان رهبری به حمایت از دولت برخاسته و هاشمی رفسنجانی سکوت اختیار کرد و هر از چند گاهی اقدام به موضع‌گیری‌های مبهم نمود. این امر حتی به مسئله مشروعیت نظام نیز کشیده شد و حکومت فشار زیادی به مخالفان و شهروندان آورد و تعداد زیادی بازداشت شدند.

این در حالی بود که موسوی و کروبی از هواداران خود می‌خواستند به خیابان‌ها بیایند. در همین حال، نقش روسیه نیز در اقدامات دولت ایران برای بسیاری از کشورها مورد سؤال قرار گرفت. مردم ایران اطلاعات اندکی در مورد سیاست خارجی احمدی‌نژاد دارند. ایران به‌طور سنتی وقتی از داخل تحت فشار قرار می‌گیرد یا مواضع تهاجمی در صحنه بین‌الملل اتخاذ می‌کند یا قراردادهای امتیازات زیادی به سایر کشورها می‌دهد که در هر دو حالت منافع ملی ایرانیان را به خطر می‌اندازد. در مجموع، در تحولات اخیر، حکومت ایران به‌خوبی فهمید که در صورت اقدام نامناسب دیگر توده‌های مردم قیام خواهند کرد. از سوی دیگر، اثبات شد سیاست خارجی تنها

1. Massih Alinejad, "Iran: Fire Under Ashes", National Democrat Institute, 17 July 2009.

۲. یکی از مؤسسات پژوهشی که به بررسی سیاست بین‌الملل می‌پردازد.



ابزاری برای تقویت احمدی‌نژاد است. ایرانیان در انتظار این مسئله هستند که احمدی‌نژاد از طریق ادبیات تهاجمی خود علیه جامعه بین‌الملل، کشور را به خطر بیاندازد و یا با القای چهره ضعیف از ایران ترحم روسیه را جلب کند.



عنوان: آمریکا چگونه باید به مدیریت نتایج انتخابات ایران بپردازد^۱

نویسنده: کیم هلمز

منبع: The Heritage Foundation^۲

یکی از مسائلی که چندین دهه توسط بسیاری از سیاستمداران به‌عنوان بدترین سیاست آمریکا مورد تأکید قرار گرفته، است سیاست واقع‌گرایانه نیکسون در مورد تعامل با نظام‌های اقتدارگرا - مانند چین، آمریکای لاتین و ایران - بوده است، زیرا که این سیاست‌ها عملاً سبب تبدیل آنان به دشمنان درجه یک آمریکا در خلال ۳۷ سال گذشته شده است. این مسئله آن‌چنان از اهمیت برخوردار است که کلیه رؤسای جمهور آمریکا پس از نیکسون، مجبور شده‌اند حداقل خود را حامی حقوق بشر در کشورهای مختلف نشان دهند. در این زمینه، کارتر در قبال تضعیف موقعیت شاه ایران، عملاً امکان سقوط نظام پهلوی را به‌وجود آورد و به‌ظهور جریان دینی در ایران کمک کرد. با وجود این، امروزه باراک اوباما مانند نیکسون رفتار می‌کند و بر این اساس شاید مانند کارتر از تعامل با ایران متأثر شود. در واقع اوباما با انتقاد از سیاست بوش و پذیرش مشروعیت نظام سیاسی ایران، عملکردی مانند نیکسون برای تعامل با نظام‌های اقتدارگر دارد. این در حالی است که این سیاست با دو مشکل مواجه است. اول اینکه اوباما عملاً با این سیاست‌ها برخلاف روند تاریخ حرکت می‌کند زیرا که نظام سیاسی ایران دیگر نماینده مردم ایران - که امروزه در خیابان‌های تهران به تظاهرات می‌پردازند - نیست. دومین مشکل سیاست‌های اوباما این است که عملاً

1. Kim R.Holmes, "How U.S Should Handle Iran's Election Results", The Heritage Foundation, June 29, 2009.

۲. یکی از مهم‌ترین پایگاه‌های نئومحافظه‌کاران آمریکا.



مماشات وی در قبال نظام سیاسی حاکم بر ایران، نتیجه‌ای در مورد دیگر هدف اوباما یعنی برنامه هسته‌ای ایران ندارد زیرا که رهبران سیاسی ایران درصدد حفظ توانایی هسته‌ای خود هستند. در واقع سیاست‌های مماشات‌گرایانه اوباما در قبال تحولات پس از انتخابات ایران به نخبگان حاکم در این کشور نشان می‌دهد که آنان می‌توانند در قبال سیاست‌های اوباما نیز مقاومت کنند. از سوی دیگر با بازگشت به سیاست انتقاد از ایران، عملاً زمینه تقویت نیروهای تندرو که خواهان برهم خوردن مذاکرات ایران و آمریکا هستند نیز به‌وجود می‌آید. در این شرایط حمایت از خواست مردم ایران برای آزادی بیشتر، مداخله در امور داخلی ایران به حساب نمی‌آید و تنها نوعی حمایت از حقوق بشر است. در واقع عدم حمایت اوباما و مماشات با تحولات سیاسی کنونی و اجازه تداوم ریاست جمهوری احمدی‌نژاد، یک مسئله تراژدیک محسوب می‌شود. بنابراین اوباما باید به‌صورت مستقیم به حمایت از خواست مردم ایران برای کسب آزادی بیشتر بپردازد و جلوی حمایت بین‌المللی از نظام ایران را بگیرد. همچنین اوباما باید حمایت جامعه بین‌الملل را برای اعمال تحریم‌های شدیدتر و مؤثرتر سیاسی و اقتصادی به‌دست آورد و از اروپا و سایر متحدان آمریکا خواستار اعمال تحریم‌هایی مانند آنچه آمریکا از ۱۹۹۵ بر ایران تحمیل کرده است، شود زیرا که این‌گونه اقدامات عملاً فشار زیادی بر رهبران ایران وارد می‌کند. در این شرایط، رهبران ایران تنها با احساس خطر نسبت به از دست دادن قدرت خود، حاضر به انعطاف در مسائل هسته‌ای و چگونگی رفتار آنان با مردم خواهند شد. از سوی دیگر اگر اوباما به سیاست‌های مماشات‌گرایانه خود ادامه دهد عملاً زمینه سرکوب بیشتر مردم و تداوم فعالیت‌های هسته‌ای را به‌وجود می‌آورد. لذا آمریکا باید با انزوای نظام سیاسی ایران، آن را به پذیرش خواسته‌های جامعه بین‌الملل وادار کند.



عنوان: انتخابات ایران به توسعه سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه منجر می‌شود^۱

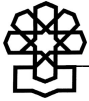
نویسنده: طارق کلایتوس

منبع: The Washington Institute for Near East Policy^۲

تحولات سیاسی جدید در ایران پس از انتخابات ریاست جمهوری، نقش مهمی در گسترش سلاح‌های کشتار جمعی و هسته‌ای دارد زیرا که شرایط جدید در ایران، این کشور را به سمت تداوم برنامه هسته‌ای آن هدایت می‌کند این در حالی است که یکی از مهمترین اهداف اوباما در سیاست خارجی آمریکا، جلوگیری از دستیابی کشورهای خاورمیانه به سلاح‌های کشتار جمعی و هسته‌ای است. در واقع با پیروزی مجدد احمدی‌نژاد کلیه کشورهای خاورمیانه درصدد توسعه فناوری‌های نظامی خود و دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی و هسته‌ای هستند چنانچه در ماه می گذشته آژانس بین‌المللی انرژی اتمی وجود شواهدی مبنی بر اورانیوم غنی‌سازی شده در مصر را تأیید کرد همچنین وجود راکتورهای هسته‌ای مخفی سوریه (که توسط اسرائیل در سپتامبر ۲۰۰۷ بمباران شدند) نیز امروزه کاملاً پذیرفته شده است. علاوه بر این، کشورهای منطقه درصدد توسعه توانایی‌های موشکی و نظامی خود نیز هستند. این تحولات مهم تحت‌الشعاع تداوم برنامه هسته‌ای ایران در دوره جدید احمدی‌نژاد است که زمینه کاهش امنیت در خاورمیانه را به وجود آورده است. در واقع اگرچه برنامه هسته‌ای ایران از سال ۲۰۰۳ به تهدید اصلی امنیت خاورمیانه تبدیل

1. Tariq Klaitous, "Iranian Elections Increases Middle East Proliferation", the Washington Institute for Near East Policy, July 27, 2009.

۲. از گروه‌های فکری و مؤسسات پژوهشی آمریکا در مسائل بین‌المللی است.



شده است، اما پس از به قدرت رسیدن احمدی‌نژاد در سال ۲۰۰۵ این مسئله تشدید شد و اعراب و اسرائیل هر کدام از ابزارهای مختلفی برای مقابله با آن استفاده کرده‌اند. در این میان، اسرائیل به تهدید نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران پرداخته و اعراب علیرغم سکوت در قبال ایران، به اقدامات آمریکا برای توقف برنامه هسته‌ای آن تأکید دارند. همچنین وجود شواهد اورانیوم غنی شده در مصر نیز نشان‌دهنده تلاش آنان برای دستیابی به توانمندی هسته‌ای در تقابل با ایران است. از سوی دیگر سوریه به‌عنوان متحد ایران درصدد دستیابی به سلاح هسته‌ای برای مقابله با تهدیدات اسرائیل است. علاوه بر این، افزایش خرید سلاح توسط کشورهای منطقه مانند عربستان از ایالات متحده نیز می‌تواند خطرات جدی را برای امنیت منطقه به وجود آورد، زیرا دستیابی عربستان به موشک‌هایی با قابلیت حمل سلاح هسته‌ای، به دلیل روابط نزدیک با پاکستان عملاً تهدید امنیتی جدی‌ای را برای خاورمیانه به دنبال دارد. در این شرایط است که با دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای و افزایش ترس کشورهای عربی از تهدیدات محیطی، توسعه سلاح‌های کشتار جمعی در خاورمیانه تشدید خواهد شد. در این زمینه اعراب اگرچه به دلیل فقدان تکنولوژی هسته‌ای ناتوان خواهند بود اما آنان ممکن است به دنبال دستیابی به سلاح‌های شیمیایی و میکروبی باشند. به علاوه که گسترش برنامه‌های موشک‌های بالستیک نیز یکی دیگر از پیامدهای طبیعی دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای خواهد بود. بنابراین تلاش برای توقف برنامه هسته‌ای ایران یک مسئله حیاتی است. همچنین کشورهای عربی به جای تلاش برای دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی باید درصدد همکاری با جامعه بین‌الملل برای توقف برنامه هسته‌ای ایران باشند.



عنوان: ایران، اسلام و حاکمیت قانون^۱

نویسنده: فرانسیس فوکویاما

منبع: Wall Street Journal^۲

فرانسیس فوکویاما به بررسی ساختار قانون اساسی ایران و اشکال احتمالی پیامد حوادث سیاسی اخیر بر آن می‌پردازد. فرانسیس فوکویاما با اشاره به ساختار مراکز قدرت در حکومت اسلامی می‌نویسد که اتفاقات اخیر در ایران نشان داد که حرف آخر را محمود احمدی‌نژاد در ایران نمی‌زند. به نوشته فوکویاما، آیت‌الله خامنه‌ای رهبر جمهوری اسلامی، سخن آخر را در ایران می‌زند ولی با وجود این شاید نتوان جمهوری اسلامی را یک نظام کاملاً خودکامه توصیف کرد چون در این نظام در عرصه‌هایی رأی‌گیری صورت می‌گیرد. برخی حکومت ایران را یک «نظام خودکامه انتخاباتی» می‌دانند و برخی دیگر با اتکا به مضمون قانون اساسی معتقدند که جمهوری اسلامی یک تئوکراسی قرون وسطایی است. فرانسیس فوکویاما معتقد است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ملغمه‌ای است از عناصر استبدادی، تئوکراتیک و دمکراتیک است چنانچه مواد (۱) و (۲) قانون اساسی تمام قدرت و اختیارات را به خدا می‌سپارد در حالی که ماده (۶) انتخاب رئیس‌جمهور و مجلس را به رأی مردم واگذار می‌کند. مواد (۱۹) تا (۴۲) مجموعه‌ای است از حقوق ملت و شهروندان که انواع آزادی‌های سیاسی و مدنی و وظایف دولت در قبال شهروندان در آن منظور شده است. به اعتقاد نویسنده، مشکل اصلی مواد (۱۰۷) تا (۱۱۲) قانون اساسی است که

1. Francis Fukuyama, Iran, "Islam and the Rule of Law", Wall Street Journal, July 27, 2009.

۲. از نشریه‌های تندرو و تأثیرگذار بر افکار نخبگان جمهوریخواه آمریکا است.



اختیارات وسیعی را برای رهبر و نهادهای انتصابی مثل شورای نگهبان تعیین می‌کند. بر این اساس، فرماندهی کل قوای نظامی و امنیتی، کلیات سیاست خارجی، انتصاب مقامات قوه قضائیه و کنترل رسانه‌های دولتی همه با رهبر است. البته ماده‌ای هم در مورد برکناری رهبر توسط مجلس خبرگان قید شده است که باز براساس روشی غیردمکراتیک و غیرشفاف است. نویسنده با اشاره به تاریخ فلسفه سیاسی نتیجه می‌گیرد که در اکثر جوامع بشری مفهوم حکومت قانون ابتدا از منبع دین الهام گرفته است. در اروپا قبل از آنکه نطفه‌های دمکراسی عصر روشنگری شکل بگیرد، مذهب منبع قانون و معیار تبعیت از آن بود و در خاورمیانه نیز همواره در کنار قدرت سیاسی سلاطین و پادشاهان، علمای دینی راوی و مفسر قوانین بودند که از فرامین دینی الهام می‌گرفت. نویسنده با اشاره به نظریه نوا فلدمن استاد حقوق و تاریخ می‌نویسد که امروزه گرایش وسیع به احکام شریعت در بسیاری از کشورهای خاورمیانه در حقیقت بیانگر تمایل مردم به نوعی قانون‌مداری در مقابل استبداد مطلقه‌ای است که در قالب پادشاهی و یا ریاست جمهوری‌های مادام‌العمر در کشورهای عربی حاکم است. فرانسیس فوکویاما در بخش بعدی مقاله خود به موضوع قانون اساسی ایران بازمی‌گردد و می‌نویسد مسلماً ترجیح خود وی این است که یک قانون اساسی براساس مدل دمکراسی غربی در ایران حاکم شود که در آن آزادی مذهبی، دولتی سکولار و حق حاکمیت مردم و نه حکومت خدا و دین، به رسمیت شناخته شود. اما براساس تمام شواهدی که وجود دارد چنین تحولی در قانون اساسی ایران فعلاً هدف معترضان نیست. اصلاح‌طلبان و میرحسین موسوی طرفدار ادامه نظام جمهوری اسلامی هستند و خواست اصلی آنها تقویت عناصر



دمکراتیک و جلوگیری از دخالت نهادهای انتصابی مثل شورای نگهبان یا مراکز قدرت نظامی در روند انتخابات و احترام به مبانی قانونی است. فرانسیس فوکویاما معتقد است که قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران که در اولین سال‌های انقلاب تصویب شده، ظرفیت‌های لازم برای تبدیل شدن به راهنمایی جهت استقرار حاکمیت قانون و موازین دمکراتیک را داراست. بخش اختیارات مطلق رهبری و نهادهای انتصابی آن باید ملغی شود و حتی اگر شورای نگهبان قرار است به حیات خود ادامه دهد آن را باید به نهادی مثل دیوان عالی کشور بدل کرد که وظیفه آن سنجش قوانین و مصوبات با موازین شرعی است. به اعتقاد نویسنده حذف عناصر دینی و شرعی از قانون اساسی ایران کار بسیار دشواری خواهد بود. حاکمیت قانون با اتکا به جنبه‌های نمادین و با تصویب مقررات برقرار نمی‌شود بلکه زمانی اجرا خواهد شد که منعکس‌کننده یک سری معیارهای عمومی و پذیرفته شده در جامعه باشد. اگر حاکمان ایران مجبور شوند که به حاکمیت قانون گردن نهند شاید در آینده‌های دورتر چنین قوانینی کاملاً سکولار باشند مشروط به آنکه این مسئله، آن چیزی باشد که اکثریت مردم ایران از صمیم قلب بخواهند. اما به نظر می‌رسد که در شرایط فعلی، ایران هنوز به آن مرحله نرسیده است.



عنوان: روسیه، احمدی‌نژاد و ایران^۱

نویسنده: جرج فریدمن

منبع: Stratfor^۲

نویسنده در این مقاله به بررسی روابط ایران، روسیه و آمریکا پس از انتخابات ریاست جمهوری ایران می‌پردازد و مبنای بحث خود را «شعار مرگ بر روسیه» در نماز جمعه ۱۷ جولای که توسط هاشمی رفسنجانی اقامه شد، قرار می‌دهد. براساس نظر نویسنده و براساس واقعیات موجود، اسرائیل و آمریکا هیچ‌گاه به ایران حمله نظامی نخواهند کرد، زیرا ایران به قدر کافی در برنامه هسته‌ای خود پیشرفت نداشته است. به اعتقاد وی پیچیدگی‌های حمله آمریکا و اسرائیل به ایران بسیار زیاد است و تهدید حمله نیز یک فریب به حساب می‌آید با وجود این باید در نظر داشت که توان ایران در پیگیری اهداف خود از طریق عراق و دخالت در منطقه نیز یک فریب محسوب می‌شود. به اعتقاد نویسنده در این شرایط، این ارزیابی از وضعیت موجود، تنها در صورتی که ایران و روسیه همکاری بسیار نزدیکی با هم آغاز کنند، می‌تواند متفاوت باشد چراکه تأثیر مستقیمی بر برنامه هسته‌ای ایران خواهد داشت. بنابراین، آمریکا باید از نزدیک شدن روسیه به ایران خودداری کند چراکه در غیر این صورت مدیریت فضای منطقه‌ای دشوار خواهد شد. در ادامه گزارش نویسنده تأکید می‌کند که احمدی‌نژاد همواره تأکید دارد که آمریکا به ایران حمله نخواهد کرد و با گسترش تعاملات ایران و روسیه در صدد مقابله با اقدامات آمریکاست. این درحالی است که

1. George Friedman, "Russia, Ahmadinejad and Iran", Stratfor, 20 July 2009.

۲. از پایگاه‌های تحلیلی مسائل بین‌الملل.



هاشمی رفسنجانی همواره نسبت به افزایش حمایت روس‌ها از احمدی‌نژاد هشدار می‌دهد.

اقدامات نظامی اخیر اسرائیل و تلاش آنها برای محدود کردن جریان مذاکره با ایران هشدارهایی است که از یکسو با هدف افزایش فشارها بر احمدی‌نژاد صورت می‌گیرد و از سوی دیگر هشدارهایی است که به روسیه جهت در نظر گرفتن شرایط منطقه‌ای داده می‌شود. در این وضعیت و در صورتی که هشدار هاشمی مبنی بر افزایش حمایت روس‌ها از احمدی‌نژاد جدی باشد، آمریکا باید سیاست‌های خود را مورد بازنگری قرار دهد و همه گزینه‌ها و از جمله حمله نظامی را مدنظر قرار دهد.



عنوان: زمان بحرانی اسرائیل در مورد ایران^۱

نویسنده: جان بولتون

منبع: American Enterprise Institute^۲

تعداد زیادی از مقامات آمریکایی اخیراً به اسرائیل سفر کرده‌اند، ولی مهمترین این سفرها مربوط به سفر رابرت گیتس وزیر دفاع آمریکا به اسرائیل است که با هدف مذاکره در مورد حمله اسرائیل به تأسیسات هسته‌ای ایران صورت گرفت. هرچند وی حامل پیام منفی باراک اوباما در مورد این اقدام بود، ولی پیشرفت‌های ایران در مورد برنامه هسته‌ای و موشکی نیز سبب شده است تمایلات اسرائیل در این راستا، کاهش یابد. لذا اسرائیل باید هرچه سریع‌تر تصمیم بگیرد و بر این اساس اگر تا پایان امسال اسرائیل اقدام به حمله نظامی علیه ایران بپردازد، هیچ جای شگفتی وجود ندارد. در واقع هرگونه اقدام اسرائیل مبتنی بر این مسئله تعریف می‌شود که آیا ایران در آینده نزدیک به سلاح اتمی دست خواهد یافت یا خیر؟

از سوی دیگر رویکرد اوباما به تهران آشکار و علنی بوده است این درحالی است که تهران با توجه به پیچیدگی‌های داخلی خود مذاکره با آمریکا را در اولویت خود قرار نداده و احمدی‌نژاد پس از پیروزی در انتخابات، مجبور شد معاون اول خود که رویکرد ملایمی نسبت به اسرائیل داشت را برکنار کند.

اسرائیل رویکرد مثبتی در قبال موضع مذاکره دیپلماتیک آمریکا و ایران نداشته و معتقد است این امر سبب تأخیر و از بین رفتن زمان است. اسرائیل معتقد است

1. John Bolton, "It's Crunch Time for Israel on Iran", American Enterprise Institute, 28 July 2009.

۲. از پایگاه‌های وابسته به نئومحافظه‌کاران آمریکا که توجه زیادی به بررسی تحولات حوزه خاورمیانه دارد.



پیشرفت مذاکرات صلح نمی‌تواند فشار لازم را بر ایران در مورد پرونده هسته‌ای وارد آورد. اسرائیل معتقد است رویکرد اوپاما نسبت به ایران مهم و غیرشفاف بوده و نتیجه آن اطاعت ایران از آمریکا نخواهد بود. از سوی دیگر آنها معتقدند حتی آغاز مذاکره ایران و آمریکا ممکن است روند طولانی به‌وجود آورد که نتوان به‌راحتی در آن به نتیجه رسید. رویکرد آمریکا به اسرائیل و ایران سبب شده است اسرائیل خود را در مورد ایران تنها ببیند. در این شرایط، در صورت تحقق حمله اسرائیل به ایران، مشکلات متعددی به‌وجود خواهد آمد که باید درباره آثار آن تعمق کرد. زیرا که مسلماً این امر سبب توقف دیپلماسی خواهد شد. با وجود این باید در نظر داشت که در صورت عدم حمله نیز باید خود را برای ایران هسته‌ای آماده کنیم.



عنوان: کدام مسیر به سمت ایران؟ گزینه‌های استراتژی جدید آمریکا در قبال ایران^۱
نویسندگان: کنت پولاک، دانیل بایمن، مارتین ایندیک، سوزان مالونی، مایکل اهانلون، بوروس ریدل
منبع: مؤسسه بروکینگز-مرکز سابان^۲

مرکز سابان وابسته به اندیشکده آمریکایی بروکینگز طی گزارشی ۱۶۰ صفحه‌ای تحت عنوان «کدام مسیر به سمت ایران؟» به بررسی ۹ سناریو برای برخورد آمریکا با ایران پرداخته است. این گزارش توسط ۶ تن از استراتژیست‌های وابسته به انستیتو بروکینگز (کنت پولاک، دانیل بایمن، مارتین ایندیک، سوزان مالونی، مایکل اهانلون و بوروس ریدل) تهیه شده است که در اینجا به‌صورت بسیار فشرده به بررسی آن می‌پردازیم:

مقدمه: انتخاب گزینه‌های سیاست آمریکا در قبال ایران

- ایران همیشه برای آمریکا، یک معضل و مشکل بوده است.
- تنفر ایران از آمریکا همواره برای ناظران بیرونی امری عجیب بوده است.
- اما آمریکا نمی‌تواند از اهمیت ایران چشم‌پوشد.
- در عصر بوش، اگرچه در ابتدا آمریکا سیاستی علیه ایران نداشت، اما سپس آمریکا از طریق فشار، تهدید و تحریم، سعی کرد ایران را وادار به کنارگذاشتن برنامه هسته‌ای خود کرده و از این طریق رابطه دیپلماتیک ایجاد کند.

1. Kenneth Pollack, Suzanne Maloney, Bruce Riedel, Michael O'Hanlon, Daniel Byman, Martin Indyk, " Which Path to Persia? Options for a New American Strategy Toward Iran ", Brookings Institute, June 23, 2009.

۲. مرکز سابان وابسته به مؤسسه آمریکایی بروکینگز از نهادهای پژوهشی در حوزه سیاست بین‌الملل است.



- در پایان دوره ریاست جمهوری بوش، قدرت ایران در منطقه ارتقا یافته و از سوی دیگر آمریکا در منطقه تضعیف شد.

- مراکز مطالعات استراتژیک آمریکا، در ابتدای عصر اوباما، به ناچار به مطالعات گسترده جهت یافتن راه‌حلی برای مسئله ایران پرداختند. اما آنان هرچه تلاش می‌کنند، نمی‌توانند از این حیرت و سردرگمی خارج شوند.

- اوباما، همزمان با استفاده از اهرم فشارهای بین‌المللی، در چارچوب استراتژی چماق و هویج، تلاش می‌کند به ایران نزدیک شده و دست دوستی بدهد. اما معلوم نیست که این سیاست موفق شود، لذا بهتر است انتخاب‌های جایگزین و فوری برای آن اندیشیده شود.

هدف خیلی سخت

- امام خمینی با انقلاب اسلامی سال ۱۳۵۷، نظام دوقطبی خیر و شر را تبیین کرد، که در آن آمریکا قطب شر و ایران قهرمان قطب خیر در جهان است.

- احمدی‌نژاد به این ایدئولوژی باور دارد.

- رابطه با آمریکا، ریل سوم راه‌آهن حرکت ایران است.

- آیت‌ا... خامنه‌ای نیز همچون امام خمینی به آمریکا مشکوک است.

- پراگماتیست‌های ایران در ۱۹۸۶ - ایران کتترا - ۱۹۹۵، ۱۹۹۸ و ۱۹۹۹ با آمریکا ارتباط مخفی داشتند، که خیلی زود کشف و خنثی شد.

- جبهه سخت درون نظام - اصولگرایان -، بیشتر به تقابل با آمریکا فکر می‌کنند.

- رفتار ایران برای آمریکا عجیب و غیرقابل پیش‌بینی است.



- در مسئله عدم رابطه میان دو کشور، آمریکا نیز بی‌تقصیر نیست و به دلیل رفتار نامناسب آمریکا، دولتمردان ایران نیز آمریکا را غیرقابل پیش‌بینی و غیرقابل اعتماد می‌دانند.

- دولتمردان آمریکا از ایران ناامید شده‌اند زیرا که آنان نه در زمانی که به دنبال رابطه بودند به نتیجه‌ای رسیدند و نه در زمان مقابله و جنگ موفق به مهار ایران شده‌اند.

- فشارهای آمریکا به تهران، تاکنون هیچ تغییری در سیاست خارجی این کشور ایجاد نکرده است.

- در آمریکا، همواره سیاست آن کشور در قبال ایران با ناکامی و شکست مواجه شده است.

- آمریکا با حمله به افغانستان و عراق، موقعیت خود در منطقه را تضعیف کرد و محبوبیت خود را از دست داده و این به سود ایران شده است.

- در نبرد حزب‌ا... و اسرائیل و نبرد حماس و اسرائیل نیز شکست اصلی از آن آمریکا و پیروز صحنه ایران بود.

- آمریکا در اثر این تغییر صحنه شوکه شد و مجبور به اتخاذ روش‌های جدی‌ای برای بازیابی نقش خود در منطقه شد.

ساختن سیاست بهتری در مورد ایران

- کتاب‌ها و مقالات در این زمینه کم نبوده، اما به جای تابش نور، بر حرارت مسئله می‌افزایند، لذا مسئله رابطه با ایران را لاینحل می‌کنند.

- چنین مطالعات در مورد شیوه تعامل با ایران این است که مهار (محدودسازی)



ایران صورت گیرد یا مذاکره! هیچ حدوسطی دیده نمی‌شود. راست‌ها به تقابل و چپ‌ها به مذاکره می‌اندیشند.

- تمرکز بر مسئله هسته‌ای ایران، موجب شده است که دید کلان‌نگر منتفی شده و همه‌جانبه‌گرایی وجود نداشته باشد.

- هدف اصلی این گزارش، ارائه مهمترین گزینه‌های سیاست آمریکا برای ساختن یک استراتژی جدید علیه ایران است.

- در مجموع ۹ گزینه در مورد ایران شکل گرفته است

- این ۹ گزینه در چهار دسته، تفکیک شده‌اند.

- بخش نخست این گزارش در مورد دو گزینه دیپلماتیک است.

- بخش دوم این گزارش در مورد سه گزینه نظامی است.

- بخش سوم این گزارش در مورد سه گزینه تغییر حکومت است، که حمایت از انقلابات مردمی، یا شورش‌های قومی و یا مساعدت در کودتای نظامی را دربردارد.

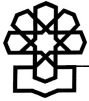
- بخش چهارم این گزارش نیز در مورد بازدارندگی ایران از طریق مهار است.

۹ گزینه بد

- این ۹ رویکرد، هزینه‌ها و مخاطرات خاص خود را دارند. این به خاطر کمبود

تحقیقات و مطالب نیست، بلکه به خاطر سختی موضع ایران است. شاید روزی یک کیسینجر یا جرج کنان جدیدی ظهور کند که راه‌حل متفاوت و ساده‌تری پیشنهاد کند.

- بهترین استراتژی آمریکا بدون شک این خواهد بود که چند گزینه از ۹ رویکرد مزبور را به‌صورت یکپارچه به‌کار گیرد.



ابتدا استراتژی سپس تاکتیک

- از آنجا که همواره آمریکا در جزئیات تاکتیکی بر علیه ایران گم شده و از کلان‌نگری دور افتاده است، این گزارش تنها به استراتژی‌ها می‌پردازد.

صحنه‌سازی

- نگارش استراتژی در مورد ایران بسیار سخت است و باید نقش ایران را در صحنه تبیین کرد.

دیدگاه تهران

- سیستم سیاسی ایران، یکی از پیچیده‌ترین و غیرشفاف‌ترین نوع نظام سیاسی در جهان است.

- ایران خود را همزمان خیلی موفق و قوی و خیلی ناموفق و ضعیف می‌داند.

- رهبران ایران در رابطه با آمریکا، تصمیم‌های تاکتیکی گرفته‌اند نه استراتژیک.

- باید دانست که واژه بازار یک کلمه ایرانی است و بازار همواره باز است.

- اصلاح‌طلبان به دنبال رابطه و اصولگرایان کمتر مایل به رابطه با آمریکا هستند.

- آیت‌الله خامنه‌ای به آمریکا مشکوک است و به اصولگراها نزدیک‌تر است، اما واقعیت‌های اقتصادی را قبول دارد.

- سیاست ایران مبتنی بر قوانین اینرسی حرکتی عمل می‌کند، لذا شانس آمریکا برای موفقیت بسیار کم است.



صحنه بین الملل

- گاهی به نظر می‌رسد، مناسبات ایران و آمریکا در یک خلأ شکل می‌گیرند، حال آنکه این‌گونه نیست و کشورهای زیادی مانند روسیه و چین و اتحادیه اروپا و کشورهای همسایه ایران در این موضوع دخیل هستند.

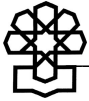
ساعت در حال تیک‌تاک

- زمان به سرعت در حال گذر است و عصر اوپاما آخرین فرصت آمریکاست.
- ایران تا ۲۰۱۰ یا حداکثر ۲۰۱۵ به سلاح هسته‌ای دست می‌یابد و در آن صورت گزینه نظامی بسیار دشوار می‌شود.
- اما همچنان گزینه تغییر حکومت باقی می‌ماند.
- لذا اوپاما آخرین فرصت برای طرح یک استراتژی جدید است که آیا آمریکا می‌تواند با یک ایران هسته‌ای همزیستی داشته باشد؟!

بخش اول - تحذیر تهران: گزینه‌های دیپلماتیک

- مسیر اوپاما بسیار سخت و دشوار است.
- جنگ هشت‌ساله در افغانستان و ۶ ساله در عراق، آمریکا را از ورود به یک میدان نبرد جدید بر حذر می‌دارد.
- پرسش‌های سه‌گانه:

۱. آیا تهدیدها و تحریم‌های اقتصادی و دیپلماتیک می‌تواند منجر به تغییر سیاست‌های ایران در قبال جامعه غربی شود؟ چه نوع تحریم‌هایی بیشترین امکان



موفقیت را دارد؟ و چگونه آمریکا می‌تواند دیگر قدرت‌های بزرگ را قانع کند که با آمریکا بر علیه ایران همکاری کنند؟

۲. آیا مشوق‌ها - هویج‌ها - با چماق یا بدون چماق می‌تواند تهران را به تغییر رفتار مجاب کند؟ ذات این هویج‌ها چه باید باشد و چگونه آمریکا می‌تواند این مشوق‌ها را به ایران بدهد که ضعف او تلقی نشده و اصولگرایان را گستاخ نکند؟

۳. واشنگتن از کجا بداند که ایران درباره مناسبات دیپلماتیک جدی است یا اینکه با طولانی کردن مذاکرات در حال خریدن زمان برای هسته‌ای شدن است؟
- پاسخ‌ها به این سه پرسش، منجر به دو رویکرد متضاد شده است:

۱. نسخه بازسازی شده استراتژی چماق و هویج بوش.
۲. روش حذف چماق و فربه کردن هویج. زیرا تهدید همواره موجب تقویت ایران می‌شود. هضم ایران در اقتصاد جهان می‌تواند نمونه‌ای از آن باشد.

فصل اول - پیشنهادی که ایران نباید رد کند: اقناع

- بوش پسر، از سیاست چماق و هویج استفاده کرد، که مؤثر نبود.
- این سیاست اگر بهینه شود، می‌تواند در دولت اوپاما مؤثر واقع شود.
- اوپاما پس از انتخاب خود، بلافاصله این سیاست را اعلام کرد که دارای چندوجه است.
- مهمترین مانع این سیاست، باقیمانده‌های اقدامات بوش در اعمال این سیاست است.
- ضعف اقدام بوش در این بود که سیاست چماق و هویج را توأم با تغییر حکومت جلو می‌برد.



- جمهوری اسلامی باید سیاست‌های داخلی خود را تغییر دهد.
 - سیاست متقاعدسازی به تعهد و مشارکت بین‌المللی درخصوص تحریم‌های قوی بر ضد ایران نیاز دارد تا بتواند ایران را تنبیه کند، اما بسیاری از کشورها، ایران را به‌عنوان تهدید نمی‌شناسند و مخالفت می‌کنند. ایران به ستیزه‌جویی علیه فشار خارجی عادت دارد که این موجب سخت‌تر شدن کارها می‌شود.

هدف

- هدف این سیاست، قانع کردن دولت ایران برای تغییر رفتار خود در مسائل حساس و مهم برای آمریکا است.
 - این سیاست با پیام نوروزی اواما آغاز شد که: «ما از ایران می‌خواهیم که در جایگاه درستی در ارتباطات بین‌الملل خود قرار گیرد. درواقع او رژیم ایران را در صورتی که به خواسته‌های آمریکا و جوامع بین‌المللی احترام بگذارد، به رسمیت شناخت.
 - اگر آمریکا سیاست خود را بر برنامه اتمی ایران متمرکز کند، همراهی بین‌المللی بیشتری می‌یابد، اما این مسئله همه رفتار ایران را تغییر نمی‌دهد. این کافی نیست که ایران برنامه هسته‌ای خود را منتفی کند.

چارچوب زمانی

به‌صورت بالقوه سیاست اقناعی در چندماه به نتیجه می‌رسد. به‌صورت نظری آمریکا و همپیمانان او سریعاً به بسته پیشنهادی از گزاره‌های مشوق و گزاره‌های بازدارنده



دست خواهند یافت و این سرعت عمل در مورد پاسخگویی ایران نیز صادق خواهد بود. با این همه، مذاکرات سیاسی داخلی و دیپلماتیک خارجی و ماهیت این سیاست برای به نتیجه رسیدن به سال‌ها وقت نیاز خواهد داشت. برای مثال ایرانی‌ها استنتاج می‌کنند که با قبول درخواست جامعه بین‌الملل به‌صورت یک‌طرفه برنامه اتمی خود را خاموش می‌کنند و با این کار منابع بسیار باارزش خود را هدر می‌دهند.
 سختی گزینه چماق و هویج این است که زمان شکست آن مشخص نیست.

نگاهی کلان به این سیاست

- مفهوم بنیادین گزینه چماق و هویج این است که همزمان باید برای تغییر برنامه هسته‌ای ایران جایزه داد و اگر ایران آن را نپذیرفت مجازات سنگین بر علیه آن اعمال کرد. این اولتیماتوم به ایران می‌گوید که اگر بپذیرد تشویق می‌شود و اگر نپذیرد مجازات می‌شود.
 - این گزینه را آمریکا نمی‌تواند به تنهایی انجام دهد و حتماً نیازمند همکاری‌های بین‌المللی است. اهرم اصلی این سیاست، باید شورای امنیت سازمان ملل باشد.
 - ایران همچنان سرگرم غنی‌سازی اورانیوم است و به تهدیدهای آمریکا بی‌توجهی می‌کند.
 - آنچه آمریکا به‌عنوان مشوق به ایران می‌دهد باید حکم هویج بزرگتر را داشته باشد. این مشوق‌ها می‌تواند موارد زیر باشد:

۱. تکنولوژی هسته‌ای و راکتورهای آب سبک: پرسش این است که باید اجازه داد ایران در خاک خود غنی‌سازی کند؟!
۲. اقتصادی: ورود ایران به WTO و آزاد کردن دارایی‌های این کشور در



آمریکا و همچنین رفع تحریم‌ها.

۳. **ضمانت‌های امنیتی:** آمریکا چگونه می‌تواند با وجود این همه نیرو در اطراف ایران، اعلام کند که برای ایران تهدید نیست؟

امتیازات سیاسی

- ایرانیان از هر جناح و سلیقه، معتقدند که کشورشان باید نقش رهبری در منطقه داشته باشد و این مسئله پیشینه‌ای تاریخی دارد.

- تا مذاکره انجام نشود، مشخص نمی‌شود که ایران چه امتیازی می‌خواهد، اما آمریکا تحت هیچ شرایطی نباید بپذیرد که ایران کشور برتر منطقه باشد.

تعامل

- تحقق استراتژی چماق و هویج، بدون مذاکره میان آمریکا و ایران امکان‌پذیر نیست.

- قبل از اینکه بسته مشوق‌ها به ایران اعلام شود، باید دانست ایران چه می‌خواهد.

- آمریکا باید ضمانت مجازات‌های خود را علیه ایران اعلام کند.

- آمریکا ایران را در شرایطی می‌پذیرد که سه مسئله رفع شده باشد:

۱. برنامه هسته‌ای منتفی شود.

۲. حمایت از حزب‌ا... و حماس منتفی شود.

۳. تغییر نقشه وضع موجود منطقه از سوی ایران کنار گذاشته شود.

- تعامل ابتدا تاکتیک است و اگر ایران رفتار خود را تغییر بدهد، آنگاه تبدیل به استراتژی خواهد شد.



آماده‌سازی شرایط برای فرود آمدن چکش

- یک مؤلفه سیاست چماق و هویج این خواهد بود که اگر ایران نپذیرد، با وخامت تحریم‌ها و برخوردها روبرو می‌شود. این برخوردها باید سخت‌تر و شدیدتر باشد.

تحریم‌های نفت و گاز

- یکی از مخرب‌ترین برخوردها، تضعیف اقتصاد نفتی ایران است، زیرا اقتصاد ایران به شدت به نفت و گاز وابسته است.

- قیمت نفت نوسان شدیدی دارد و تحریم نفت و گاز ایران موجب بالا رفتن ناگهانی قیمت نفت در جهان می‌شود.

محرك‌های مشخص شده

- باید نسبت تحریم‌ها به تفکیک هر محرک و هر ماشه‌ای جداگانه مشخص شود و مکانیسم ماشه بنا به مصداق‌های تاکتیکی معین شود.

مقصد، نه وسیله

- باید آمریکا و متحدانش بر روی نتیجه سیاست چماق و هویج تمرکز کنند، نه بر روی وسیله و روش آن.

شنل و شمشیر

- رهبران آمریکا نباید همچون اوباما به‌طور علنی سیاست چماق و هویج را در انظار



عمومی مطرح کنند چون موجب رنجش طرف ایرانی می‌شود. بنابراین او باما اشتباه کرد که در سخنرانی خود همچون بوش آن را علنی بیان کرد.

- آمریکا نباید اجازه دهد روند سیاست چماق و هویج طولانی شود.

الزامات

- الزامات سیاست چماق و هویج، بیشتر دیپلماتیک و سیاسی هستند و ریسک‌های اقتصادی و نظامی آن کم‌ترند.

- آمریکا باید به کشورهایی چون روسیه و چین و دیگران امتیاز بدهد تا آنها از سیاست چماق و هویج علیه ایران حمایت کنند.

محاسن

- شواهدی وجود دارد که این سیاست تعامل و اقناع ایران می‌تواند موفق باشد. در ۱۳۸۲-۱۳۸۳ برخی مسئولان سیاسی ایران آن را پذیرفتند. مذاکرات (تروئیکای اروپا) با ایران در آن زمان، دستاوردهایی داشت.

- با توجه به بحران اقتصادی موجود در غرب، این سیاست، هزینه‌های آمریکا را پایین می‌آورد و ضمناً مراوده تجاری با ایران به اقتصاد آمریکا کمک می‌کند.

- اگر آمریکا به ایران در سیاست چماق و هویج امتیازی داد که ایران نپذیرفت، در آن صورت نتیجه طبیعی، موضوع «مهار» ایران خواهد بود.



معایب

- آمریکا مجبور است با سایر کشورها در مورد ایران معامله کند.

- ایرانیان عموماً پاسخ صریح آری یا نه نمی‌دهند و با این کار زمان می‌خرند.

- ایران با طولانی کردن پاسخ، موجب کم اثر شدن گزینه‌های بعدی یعنی حمله نظامی و تغییر حکومت می‌شود.

- آمریکا مجبور می‌شود با اعمال سیاست چماق و هویج، از حمایت دموکراسی و حقوق بشر در ایران دست بردارد و این اجتناب‌ناپذیر است.

- سیاست چماق و هویج به دلیل پیچیدگی درونی سیاست در ایران می‌تواند شکست بخورد، زیرا در ۳۰ سال گذشته ایران با تعریف متفاوت منافع ملی، توانسته است سیاست‌های خارجی علیه خود را ناکام بگذارد.

فصل دوم - وسوسه کردن تهران: گزینه تعامل

- اشکال بوش در اجرای سیاست چماق و هویج در این بود که چماق را کنار نمی‌گذارد.

- تهدید موجب می‌شود که ایرانیان از حیث ملی‌گرایی منسجم گردند.

هدف

- تغییر رفتار ایران از طریق تعامل و تشویق.

- اما چون ضمانت اقدام ندارد، نیاز به مدت زیادی برای اثربخشی دارد.

- در این گزینه، هیچ تضمینی برای ممانعت از دستیابی هسته‌ای ایران، یا عدم حمایت از گروه‌های فلسطینی و لبنانی از سوی ایران وجود ندارد.



- اما این رویکرد موفقیت گسترده‌ای در بلندمدت دارد و تغییر حکومت را نیز دربرخواهد داشت.
- از نتایج مفید آن، ایجاد رابطه و تعامل با ایران تأثیرگذاری و تغییر رفتار آن است.
- چنین رابطه میان آمریکا با ایران، مانند رابطه کنونی انگلیس با ایران است.
- همچنین، الگوی این رابطه، همان رابطه آمریکا با چین است که به مرور موجب لیبرالیزه شدن اقتصاد آن کشور و پیدایش یک طبقه متوسط در چین شده است.

چارچوب زمانی

- تعامل در بلندمدت می‌تواند مؤثر باشد.
- حضور نظامی آمریکا در اطراف ایران، برای این کشور تهدید است، هر چند که آمریکا از موضع تعامل با ایران مواجه شود.
- دشمنی آمریکا با ایران و ایران با آمریکا، یک گزاره بنیادین در سیاست ایران است.
- هیچ محدوده زمانی برای تحقق این استراتژی وجود ندارد و نمی‌توان با هیچ مکانیسمی آن را تسریع بخشید.

دید کلان به این سیاست

- تعامل، جزئی از یک رویکرد استراتژیک است و دیپلماسی یعنی همین تعامل.
- در این سناریو، تعامل یک کنش استراتژیکی است نه تاکتیکی.



اولویت تعامل

- اگر تعامل اولویت پیدا کند، سیاست‌های آمریکا باید به یک جابجایی عظیم از گزینه‌های سیاسی، اقتصادی و نظامی به تعامل بیانجامد.
- گزینه تعامل، موجب لیبرالیزه شدن فضای داخلی ایران می‌شود.
- تعامل با دو رویکرد:
- الف) گام به گام،
- ب) معامله بزرگ و حجیم و گسترده، می‌تواند صورت پذیرد.

اقتناع

- مشوق برپایه اقتناع طرف ایرانی بر تغییر رفتار وی باید ارائه شود.
- مشوق‌ها باید شامل سه حوزه هسته‌ای، استراتژیک و اقتصادی باشد، که اکنون تنها تمرکز بر حوزه برنامه هسته‌ای ایران است.
- مشوق‌ها باید متوجه حامیان تغییر باشد، مثلاً مشوق‌های اقتصادی باید طیف ثروتمندان طبقه متوسط به بالا را در نظر بگیرد.

زمان بندی

- تحقق گزینه تعامل نیازمند سال‌های طولانی است و آمریکا نمی‌تواند توقع واکنش فوری از ایران داشته باشد.



شریک نامطمئن

- روی کار آمدن احمدی‌نژاد و اصولگرایان، موجب نفی لیبرالیزاسیون فضای عمومی کشور شده است.

- فضای عمومی ایران اکنون توأم با اعتماد به نفس و غرور است، که موجب ماجراجویی آنها می‌شود.

- آیت‌الله خامنه‌ای معتقد است که حق را باید گرفت و اگر به دشمن تمکین شود، او دیگر کوتاه نمی‌آید.

- دوران احمدی‌نژاد تمام نشده است. در ادامه برنامه تعامل، باید یا احمدی‌نژاد را دور زد، یا او را به درون میدان برنامه کشاند.

- عصر رفرمیست‌های ایران نشان داد که رقابت میان جناح‌ها جدی است.

- امروز در میان همه جناح‌ها یک نظر واحد وجود دارد و آن هم این نکته است که همه از ضرورت مذاکره با آمریکا سخن گفته‌اند.

- در طول بیست سال، هاشمی رفسنجانی سعی کرد رابطه ایران با آمریکا را بهبود ببخشد. اما تاکتیک‌های پشت پرده او خیلی مؤثر نبوده است.

معایب

- سیاست داخلی ایران به قدری پیچیده است که معلوم نیست سیاست تعامل جواب دهد.

- اصولگرایان، رویکرد آمریکا به تعامل را حاصل ضعف آمریکا می‌دانند.

- چون چارچوب زمانی مشخصی برای سیاست تعامل مدنظر نیست، در نتیجه ممکن



است ایران به همه خواسته‌های خود برسد، اما آمریکا به هیچ یک از خواسته‌هایش نرسد.

- تاکنون هیچ پیام محکمی از سوی رهبر ایران برای مذاکره با آمریکا شنیده نشده است.

- اسرائیل در معادلات تعامل همچون یک کارت وحشی و برگه غیرقابل مهار عمل می‌کند.

بخش دوم - راهکار نظامی: خلع سلاح تهران

- گزینه‌های دیپلماتیک، یک نقص اساسی دارند و آن نیازمندی به همکاری ایران است.

- در واقع هیچ یک از گزینه‌های دیپلماتیک، تضمینی برای موفقیت ندارند.

- بخشی از آمریکایی‌ها معتقدند ایران قابل اعتماد نیست. آنان حتی روسیه و چین را نیز قابل اعتماد نمی‌دانند، لذا می‌گویند که به دلیل عدم باور این کشورها،

محدودیت‌های سیاسی و تحریم‌های اقتصادی همواره شکست می‌خورد.

- به این دلایل، هر گزینه‌ای که نیاز به همکاری ایران یا کشورهای متحد آمریکا بر علیه ایران را داشته باشد، منتفی است.

- تنها عامل زور است که به‌طور یک‌جانبه از سوی آمریکا امکان به‌کارگیری دارد و نیاز به همکاری ایران یا متحدان ندارد.

- اگر ایران به سلاح هسته‌ای مجهز شود، در آن صورت گزینه نظامی آمریکا علیه آن کشور نیز دشوار خواهد شد.

- مشکلاتی که ارتش آمریکا در عراق و افغانستان پیدا کرده است، امکان موفقیت



نظامی بر علیه ایران را با تردید مواجه ساخته است.

- با این شرایط، بخش دوم این گزارش، به بررسی گزینه نظامی پرداخته است.

- اواما نیز گزینه نظامی را رد نکرده است.

- این نگرانی وجود دارد که اسرائیل به طور یک جانبه به تهاجم علیه ایران اقدام کند.

- گزینه مورد نظر این خواهد بود که همچون عراق و افغانستان، اقدام نظامی به اشغال ایران و تغییر حکومت منجر شود.

- سناریوی حمله هوایی به تأسیسات هسته‌ای ایران بالاترین ضریب امکان تحقق را دارد.

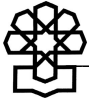
- برخی از آمریکایی‌ها معتقدند هزینه حمله به ایران بسیار زیاد است و این موضوع موجب تردید در اقدام نظامی علیه ایران شده است، اما آنان امیدوارند که اسرائیل چنین اقدامی را به جای آنها انجام دهد.

فصل سوم - یک راه را تا انتها رفتن: گزینه تهاجم

- اکنون آمریکا تمایل به انتخاب راهکار نظامی علیه ایران را ندارد. پس از هزینه‌های جنگ در افغانستان و عراق و عدم وجود چشم‌انداز روشن، اغلب آمریکایی‌ها مایل نیستند در نقطه‌ای دیگر از خاورمیانه درگیر جنگ شوند.

- به دلیل پراکنده شدن نیروها، آمریکا باید برای تهاجم به ایران، نیروهای ذخیره را فراخوان کند.

- پس از سی سال وجود مشکلات میان آمریکا و ایران، هیچ استراتژی همچون تهاجم نظامی، نمی‌تواند قاطعانه مشکلات مزبور را مرتفع کند.



- شکست‌های آمریکا در عراق و افغانستان، نشان داد که پرسش اساسی که آمریکا باید پاسخ دهد این است که در صورت تهاجم به ایران، آیا می‌تواند در ایران یک دولت آمریکایی باثبات و امن پدید آورد!

- مشکلات عراق و افغانستان درس‌های زیادی به آمریکا داده است، اما هنوز ایده‌های که درس‌های مزبور را به ایران، یعنی کشوری با سه برابر جمعیت و چند برابر وسعت نسبت به عراق، تعمیم دهد، وجود ندارد.

هدف

- هدف گزینه تهاجم به ایران، این است که حکومت ایران را از طریق زور و حمله نظامی ساقط کرده، قدرت نظامی آن را خرد کرده و اجازه داده نشود که کنترل خود را بر جامعه اعمال نماید و برنامه هسته‌ای آن نابود شود.

- آمریکا باید بتواند پس از حمله، یک حکومت باثبات و آمریکایی در آن پدید آورد.

- مانند افغانستان و عراق، بازسازی ایران پس از اشغال بسیار دشوار و پرهزینه خواهد بود.

چارچوب زمانی

- در تئوری، آمریکا هرگاه اراده کند می‌تواند به ایران حمله کند. لذا از نظر زمانی بسیار سهل‌الوصول است. اما در واقعیت، این امر آسان نیست و موانع زیادی دارد.

- اگرچه تهاجم نظامی از گزینه تعامل یا گزینه تغییر حکومت، سریع‌تر امکان‌پذیر است، اما زمان آن می‌تواند تا سال‌ها طول بکشد که شامل اولتیماتوم به ایران، اخذ



مجوز قانونی از سازمان ملل، اقدامات لجستیکی انتقال نیرو به منطقه و سپس اقدام نظامی می‌شود.

- گزینه نظامی نیازمند گرفتن بهانه از ایران، برای حمله به آن کشور است. البته اگر اراده بر حمله به ایران وجود داشته باشد، آمریکا می‌تواند کاری کند که ایران را تحریک کند تا پاسخی بدهد که همان بهانه مورد نیاز باشد.

- بازسازی پس از جنگ در ایران، طولانی‌ترین و خونین‌ترین بازسازی خواهد بود.

نگاهی کلان به این سیاست

- مسئله اصلی، درگیری‌های پس از جنگ و اشغال است.

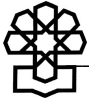
- چون ممکن است کشورهای همسایه، اجازه استفاده از خاک خود را برای حمله به ایران ندهند، لذا باید تفنگداران دریایی، بندری را در ایران تصرف و از آنجا عملیات لجستیکی برای هجوم به درون ایران صورت گیرد.

الزامات

- **تحریک:** ایران باید یک اقدام تحریک آمیز به‌مثابه واقعه ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱ صورت دهد.

- **دیپلماتیک:** اگر ایران اقدام تحریک‌آمیز نکند، امکان اجماع بین‌المللی ناممکن است.

- **نظامی:** عملیات نظامی باید سنگین باشد، اما الزام کلیدی، مسائل پس از اشغال است. آمریکا برای اشغال عراق ۲۰۰ هزار نفر نیرو وارد کرد. ایران کشوری با سرزمین پهناور کوهستانی و بیابانی است که در جنگ چریکی بسیار توانایی دارد و می‌تواند مخاطره‌آمیز باشد. الزامات لجستیکی تهاجم به ایران بسیار سخت‌تر از عراق است. در



تهاجم به ایران، نیروی ویژه و سربازان آمریکایی فارسی‌زبان الزامی است که آمریکا در این خصوص بسیار ضعیف است.

- **اشغال:** برای عملیات علیه منازعات کم‌شدت و ضد شورش دوره اشغال، نیروی متخصصی در حد ۲ درصد جمعیت ایران (یعنی حدود ۱/۴ میلیون نفر) برای ایجاد امنیت و ثبات در آن کشور نیاز است.

- **سیاسی:** حمایت اکثریت مردم آمریکا در این تهاجم الزامی است، زیرا تهاجم به ایران سخت‌تر از عراق خواهد بود. کشور آمریکا باید تحمل تلفات زیاد را داشته باشد زیرا تنفر مردم ایران از آمریکا به استمرار جنگ چریکی خواهد انجامید.

محاسن

- حمله نظامی، کلیه مشکلات آمریکا درباره ایران از جمله پرونده هسته‌ای را یکباره حل می‌کند.

- همه اقدامات تحت کنترل آمریکا خواهد بود و نیازمند همکاری بین‌المللی نیست.

- این گزینه، از مهمترین و مطمئن‌ترین منبع قدرت آمریکا، یعنی ارتش آن کشور بهره می‌برد.

معایب

- تهاجم نظامی به ایران بسیار پرهزینه خواهد بود، هم در حمله و هم در اشغال.

- هزینه تلفات می‌تواند شامل صدها و یا شاید هزاران آمریکایی در تهاجم باشد.

- واکنش نظامی تهران که حجم و استعداد آن قابل برآورد نیست (به‌ویژه در حوزه



عملیات چریکی، یا بستن تنگه هرمز).

- مردم ایران آرام نیستند و امکان بروز منازعات قومی در ایران می‌تواند به همسایگان آن کشور کشیده شود و در نتیجه ناامنی آن، وضعیت صدور انرژی از منطقه را مختل خواهد کرد.

- اعتبار آمریکا در اثر حمله به ایران مخدوش می‌شود و در قضایای کره شمالی و دارفور و... قدرت چانه‌زنی آمریکا کاهش می‌یابد.

- نقش آمریکا در ایجاد نظم جهانی مخدوش شده و از آمریکا یک چهره مهاجم ارائه می‌شود.

فصل چهارم - گزینه اُسیراک

- با توجه به هزینه زیاد تهاجم نظامی تمام عیار به ایران، سناریوی دوم، موضوع حمله هوایی محدود به تأسیسات اتمی مانند حمله به تأسیسات اتمی اسیراک عراق توسط اسرائیل را دربرمی‌گیرد.

- در تشدید افقی منازعه، می‌توان پس از بمباران تأسیسات هسته‌ای، به بمباران سیستم فرماندهی و کنترل و سایر پایگاه‌های نظامی ایران پرداخت.

- تهاجم هوایی به برنامه هسته‌ای ایران می‌تواند موجب تعویق برنامه هسته‌ای ایران شود.

هدف

- هدف تهاجم هوایی این است که در حد ممکن برنامه هسته‌ای ایران را نابود سازد. اگر کار موفق شود، می‌تواند به مدت ۱۰ سال آن را به عقب اندازد. در طول این مدت



ده سال، احتمالاً کسانی در ایران به قدرت می‌رسند که دوست آمریکا بوده و برنامه هسته‌ای را کنار می‌گذارد.

چارچوب زمانی

- زمان شروع آن به عهده آمریکاست، اما واکنش ایران غیرقابل پیش‌بینی است.

نگاه کلی به این سیاست

- این حملات هوایی بین چند روز تا چند هفته ادامه پیدا می‌کند.

- حملات هوایی نیازمند اطلاعات دقیق است.

- ایران روش‌های حمله هوایی آمریکا و اسرائیل در عراق و بالکان و... را می‌شناسد، لذا تدابیر هوشمندانه‌ای از جمله انتقال تأسیسات به زیرزمین را اتخاذ نکرده و آنها را پراکنده کرده است.

رویارویی با واکنش ایران

- شاید ایران پاسخ ندهد و با مظلوم‌نمایی، خود را قربانی نشان دهد.

- شاید ایران پاسخ دهد و مثلاً تنگه هرمز را ببندد.

- شاید ایران اهداف آمریکایی و اسرائیل را با موشک بالستیک مورد هجوم قرار دهد.

- شاید ایران واکنش چریکی به اهداف آمریکایی نشان دهد.



اقدامات پس از حمله هوایی

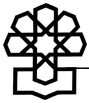
- پس از تهاجم هوایی آمریکا به تأسیسات هسته‌ای ایران، مردم ایران منسجم‌تر شده و به فکر دستیابی به سلاح هسته‌ای می‌افتند و از معاهده NPT خارج می‌شوند.
- لذا باید هر چند سال یکبار به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله کرد.

الزامات

- **نظامی:** توانایی این اقدام وجود دارد و هزینه نظامی آن زیاد نیست. پرسش این است که آیا کشورهای منطقه حاضر به همکاری هستند یا اینکه آمریکا باید به تنهایی آن را انجام دهد.
- **دیپلماتیک:** آمریکا باید بیشترین حمایت را به‌ویژه از سوی همسایگان ایران جلب کند. همچنین این حمله، موجب مخدوش شدن وجهه آمریکا در منطقه نشود. آمریکا نیازمند رفتار تحریک‌آمیز ایران است و برای این کار می‌تواند به اقدامات تغییر حکومت بپردازد تا ایران واکنش نشان داده و رفتار تحریک‌آمیز ارائه کند و به آمریکا بهانه بدهد.
- **قانونی:** این گزینه وجاهت قانونی ندارد و قطعنامه‌های شورای امنیت نیز مجوز حمله را صادر نکرده است.

محاسن

- از لحاظ تجهیزاتی، توانایی نظامی اجرای آن وجود دارد.
- امکان نابودی برنامه هسته ایران وجود دارد.



- تلفات آمریکا در این گزینه بسیار ناچیز خواهد بود.
- این گزینه کمتر نیازمند حمایت سایر کشورهاست.
- این گزینه موجب تعویق چندساله برنامه هسته‌ای ایران می‌شود.

معایب

- اراده ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای زیاد می‌شود.
- حکومت ایران قوی‌تر می‌شود و انسجام آن به دلیل حمایت مردم بیشتر می‌شود.
- احتمالاً تعویق برنامه هسته‌ای تنها در حد یک یا دو سال باشد.
- ممکن است حزب... لبنان پاسخ سنگینی دهد.
- ممکن است خلبانان آمریکایی که سقوط می‌کنند به‌عنوان گروگان مورد معامله ایران قرار گیرند.
- سیاست ایران نسبت به اکنون رادیکالیزه‌تر می‌شود.
- ایران در افغانستان و عراق به دخالت می‌پردازد.
- امکان تکرار گزینه حمله هوایی را محدود می‌کند.
- تنفر جهانی در مورد آمریکا را گسترش می‌دهد.

فصل پنجم - واگذاری به بنیامین نتانیاهاو: تشویق اسرائیل به حمله نظامی

- در سی سال اخیر آمریکا و ایران مشکلات فراوانی داشته‌اند، اما ایران هیچ‌گاه رو در رو با آمریکا درگیری نظامی نداشته و اقدام به عملیات تروریستی علیه آمریکا نکرده است. با وجود این، اسرائیل همواره ایران را یک خطر جدی علیه خود می‌داند. لذا اسرائیل همواره در این فکر بوده است که به تأسیسات هسته‌ای ایران حمله کند.

**هدف**

- نابودی تأسیسات هسته‌ای ایران.
- ممکن است آمریکا اسرائیل را تشویق و حتی کمک کند تا این حمله انجام شود.

چارچوب زمانی

- اگر آمریکا اسرائیل را تشویق به حمله کند، این اقدام سریع‌تر از زمانی که خودش قصد حمله داشته باشد انجام می‌شود.
- واکنش ایران به اسرائیل یا آمریکا مشخص نیست. لذا چارچوب زمانی این اقدام کاملاً نامشخص است.

نگرش کلی به این سیاست

- هواپیماهای اسرائیل باید از خاک فلسطین به پرواز درآمده و از آسمان اردن و عراق بگذرند.
- اسرائیل مجهز به بمب‌افکن‌های استراتژیک شبیه B1، B2، B52 نیست.
- اسرائیل برای حمله به ایران در چند موج باید اقدام کند، درحالی که تنها در یک موج می‌تواند عملیات کند.
- فاصله اهداف در ایران از خاک فلسطین اشغالی زیاد است و کار هواپیمای F15 و F16 اسرائیل برای رسیدن به آن اهداف بسیار دشوار است.
- این سناریو، به هر شکلی موجب می‌شود که پای آمریکا به درگیری کشیده شود.

**گزینه‌های آمریکا**

- آمریکا به اسرائیل چراغ سبز نشان دهد و در برنامه‌ریزی حمله همکاری کند.
- آمریکا هیچ چراغی به اسرائیل ندهد و اسرائیل خود به انتخاب خود عمل کند. ندادن چراغ نیز همچون چراغ سبز ارزیابی می‌شود.

الزامات

- براساس گزارش مؤسسه بین‌المللی مطالعات استراتژیک، اسرائیل ششمین قدرت هسته‌ای جهان است و این عامل بازدارنده مهمی است که می‌تواند مانع واکنش ایران شود.
- آمریکا می‌تواند به جای اسرائیل واکنش نشان دهد، یا اسرائیل را به عضویت ناتو درآورد.

محاسن

- اسرائیل با سرعت بیشتری نسبت به آمریکا می‌تواند اقدام کند.
- اسرائیل مسئول حمله شناخته می‌شود نه آمریکا.

معایب

- در هر صورت ممکن است پای آمریکا به میان آمده و مقصر شناخته شود.
- میزان تخریب حمله اسرائیل کمتر از آمریکا خواهد بود و این به معنای عدم موفقیت چنین تهاجمی است.



بخش سوم - فروریختن تهران: تغییر حکومت

- بسیاری از سران آمریکا نه گزینه دیپلماتیک را و نه گزینه نظامی را می‌پذیرند و معتقدند کل نظام جمهوری اسلامی را به دلیل اینکه با منافع آمریکا در تعارض است باید واژگون کرد.

- جنبش رفرمیستی - اصلاح‌طلبان - تنها راه تغییر حکومت نیست، بلکه از راه‌هایی چون شعله‌ور کردن مسائل قومیتی و یا کودتا نیز می‌توان به تغییر حکومت دست زد.

فصل ششم - انقلاب مخملی

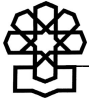
- مناسب‌ترین راه برای تغییر حکومت، حمایت گسترده از انقلاب مخملی در ایران است.
- این گزینه سیاسی بهترین راه حل مشکلات آمریکا با ایران است که کمترین هزینه را دربردارد.

هدف

- هدف اصلی این گزینه، براندازی حکومت ایران و ایجاد حکومتی است که بیشترین همراهی را با منافع آمریکا داشته باشد.
- تعامل با اپوزیسیون داخلی جمهوری اسلامی، برگ برنده‌ای در دست آمریکاست که از طریق آن به ایران فشار وارد ساخته و رفتار حکومت ایران را تغییر دهد.

چارچوب زمانی

- انقلاب مخملی نیازمند وجود رهبران محلی در صحنه است و لذا چارچوب زمانی آن



منوط به شرایط حادث شده و پیدایش این رهبران محلی، در آن شرایط خاص است که ممکن است در چند هفته یا چند سال پدید آید.

نگرش کلی به این سیاست

- اینکه چگونه می‌توان جرقه‌ای زد تا انقلاب مخملی صورت بگیرد، هنوز مبهم است، زیرا انقلاب‌های مخملی بسیار پیچیده‌اند.

- گفته می‌شود که مخالفان جمهوری اسلامی، علاقه‌مند به آمریکا هستند، لذا می‌توانند انقلابی را رقم زنند که به منافع آمریکا کمک کند.

- ممکن است برخی رهبران پراگماتیست درون جمهوری اسلامی، متوجه اصلاح درونی سیستم شوند و اتفاقی مشابه پرسترویکا و گلاس‌نوست شوروی در ایران پدید آید که طی آن ابعاد اصلاحات صورت گرفته با مبانی آن حکومت در تعارض قرار گیرد و موجب فروپاشی و تحقق انقلاب مخملی شود.

- همچنین ممکن است آشوب‌های خیابانی مانند آنچه در عصر چائوشسکو در رومانی و فردیناند مارکوس در فیلیپین، جمهوری اسلامی را متزلزل ساخته و فرو بپاشاند.
- آمریکا باید چند نقش متفاوت را در تحقق انقلاب مخملی در ایران از جمله واگذاری کمک‌های مالی و حمایت از رهبران محلی انقلاب مخملی ایفا کند.

ریموند تانتر از کمیته سیاست ایران می‌گوید که ما باید از دانشجویان و سایر گروه‌ها، برای انقلاب مخملی حمایت مخفی کنیم: آنان پول، فکس، اینترنت و حمایت نیاز دارند.

- آمریکا از طریق رسانه‌هایی که تحت حمایت او هستند مانند VOA و رادیو فردا، باید افراد منتقد کمتر شناخته شده را به جامعه ایران معرفی کند.



- لایحه حمایت از ایران آزاد که در سال ۲۰۰۶ تصویب شد به حمایت مالی و سیاسی از انجمن‌های جامعه مدنی و حقوق بشری مطبوعات ضد حکومت می‌پردازد.
- دولت آمریکا برنامه‌هایی تصویب نکرده که از طرح‌های تغییر حکومت در ایران حمایت می‌کند.

الزامات

- آمریکا باید اپوزیسیون ایرانی را پیدا و حمایت کند.
- آمریکا باید از رهبران محلی اپوزیسیون حمایت کند.
- باید دستگاه‌های امنیتی ایران که توانمندی خود را اثبات کرده‌اند، در مقابله با انقلاب مخملی، نخواهند یا نتوانند برخورد کنند.
- از الزامات جدی انقلاب مخملی، نیازمندی به اطلاعات بی‌نظیر و دقیق و همچنین پول قابل توجه است.

رهبران

- یافتن رهبران محلی مناسب، که شریک‌های بومی خوبی برای آمریکا در ایجاد آشوب و اغتشاش باشند.
- طیف‌شناسی عناصر اپوزیسیون که می‌توانند انقلاب مخملی را برای آمریکا تولید کنند:
۱. اصلاح‌طلبان: شواهد نشان می‌دهد که فرمیست‌ها در صدد ایجاد یک حکومت سکولار در ایران هستند.
۲. روشنفکران: این روشنفکران در دوره پرزیدنت خاتمی مشروعیت دینی نظام



ایران را زیر سؤال می‌بردند و اکنون نیز می‌برند، اما با سانسور روبرو شده‌اند.
۳. سازمان‌های دانشجویی، کارگری و جامعه مدنی: دانشجویان و کارگران پیاده نظام انقلاب مخملی هستند، که در واقعه ۱۸ تیر ۱۳۷۸ در حمایت از خاتمی به صحنه آمدند. دفتر تحکیم وحدت، اکنون خود بر سر اتخاذ استراتژی، درگیر کشمکش‌های درونی است.

۴. رضا پهلوی: وی به‌عنوان فرزند شاه سابق، خود را کاتالیزوری می‌شناسد که سلطنت مشروطه را در تقابل با جمهوری اسلامی دنبال می‌کند، اما هواداری در ایران ندارد. - بسیاری از رهبران اپوزیسیون بر ضد یکدیگر عمل می‌کنند. اکبر گنجی از ژورنالیست‌های اپوزیسیون می‌گوید که اپوزیسیون سازمان‌یافته نیست و ما رهبر نداریم. - تاکنون رهبر کاریزماتیک برای اپوزیسیون ایران پیدا نشده است.

پول

- برنامه‌ریزی برای حمایت از انقلاب مخملی در ایران خیلی بیش از آنکه تاکنون واشنگتن کمک کرده است - برای ارتباطات و هزینه‌های سفرها و ... - پول نیاز دارد.
- آمریکا باید واقعیت فساد مالی در اپوزیسیون و هدر رفت بخشی از این پول‌ها را بپذیرد.

اطلاعات عالی

- مداخله در امور داخلی یک کشور دیگر، برای موفقیت نیازمند اطلاعات دقیق است.
- آمریکا باید از رهبرانی در انقلاب مخملی حمایت کند که توانمند باشند و توسط دستگاه امنیتی ایران خریداری نشوند.



- متأسفانه ما (آمریکا) در ایران سفارتخانه نداریم و امکان سازماندهی رهبران و اپوزیسیون را نداشته و ائتلاف‌های درون ایران را متوجه نمی‌شویم.
- جامعه اطلاعاتی آمریکا (شامل ۱۶ سازمان اطلاعاتی) باید برای کسب اطلاعات از درون ایران به جستجوی خود شتاب دهد.

مداخله نظامی

- برای تحقق یک انقلاب مخملی، حکومت ایران باید اراده خود را برای برخورد و سرکوب انتظامی آن از دست بدهد.
- بعید به نظر می‌رسد که حکومت ایران توانایی برخورد قهرآمیز با انقلاب مخملی را نداشته باشد.
- اگر تجمعاتی در ایران صورت گیرد و ارتش و سپاه پاسداران و بسیج و پلیس، آن‌گونه تضعیف نشده باشند که کنار بنشینند، در آن صورت آمریکا باید برای مداخله نظامی و دفاع از آن تجمع‌کننده‌ها آماده شود.

محاسن

- تغییر حکومت، کمترین هزینه و بیشترین فایده را دارد.
- اگر انقلاب مخملی موفق شود، آمریکا یکی از دشمنان اصلی خود را از سر راه برداشته و هزینه آن بسیار ارزان‌تر از یک تهاجم تمام عیار بوده است.
- حتی اگر تحقق انقلاب مخملی امکان‌پذیر نباشد، حمایت آمریکا از کسانی که به چنین اقدامی دست می‌زنند، می‌تواند موجب تضعیف حکومت ایران و تغییر رفتار آن شود.



- قوی‌تر کردن نفوذ اطلاعاتی آمریکا در ایران، در مجموع به نفع آمریکاست، حتی اگر به تحقق کامل انقلاب مخملی نینجامد.
- با انتخاب گزینه تغییر حکومت در ایران، آمریکا تعهد خود را به ایده‌ئال‌های آمریکایی از جمله دمکراسی نشان می‌دهد و از این سرزنش که در خاورمیانه در جستجوی دمکراسی نیست، رهایی می‌یابد.

معایب

- ایران برای ممانعت از انقلاب مخملی، به‌خوبی سنگ‌سازی کرده است. سوزان مالونی معتقد است جمهوری اسلامی همه نوع فاجعه‌ای غیر از طاعون را سپری کرده است: جنگ، ایزوله شدن، بی‌ثباتی، حملات تروریستی، انتقال رهبری، خشکسالی، زلزله‌های عجیب، و... لذا حکومت بسیار مستحکم است.
- نتایج تغییر حکومت مشخص نیست، از کجا معلوم که حکومت جایگزین، به نفع آمریکا کار کند، اما امید آمریکا به این است که میزان تنفر در حکومت جایگزین، کمتر از دوره جمهوری اسلامی باشد.
- حمایت آمریکا، موجب نفرت بیشتر ایرانیان می‌شود و از آن به «بوسه مرگ» یاد می‌گردد. دکتر عباس میلانی می‌گوید که حتی اصلاح‌طلبان نیز از آمریکا می‌خواهند کمتر به آنها پول بدهد، زیرا در چشم مردم بد می‌شوند.
- نظام جمهوری اسلامی در برابر انقلاب مخملی، حاضر است به خاطر ایدئولوژی خود مقاومت کند.



فصل هفتم - الهام بخشیدن به شورش: حمایت از اقلیت‌ها و گروه‌های اپوزیسیون

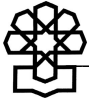
- این گزینه قائل به شورش از طریق اقلیت‌های قومی و گروه‌های اپوزیسیون است.
- آمریکا می‌تواند به گروه‌های اپوزیسیون خارج از ایران کمک مالی و نظامی کند تا به شورشیان حرفه‌ای تبدیل شوند. برای نمونه می‌تواند به گروه مجاهدین خلق کمک کند و آنها را از تحریم خارج ساخته و بر علیه ایران تجهیز کند.

هدف

- حمایت از شورش دو هدف متفاوت می‌تواند داشته باشد.
- هدف نخست براندازی حکومت است.
- هدف دوم ایجاد فشار بر روی حکومت، به‌ویژه به‌عنوان اهرم فشار در هنگام مذاکره آمریکا با ایران است.
- چون آمریکا احتمال براندازی را از طریق شورش قومیت‌ها و گروه‌های اپوزیسیون ضعیف می‌داند در نتیجه هدف اصلی حمایت آن کشور از شورشیان، به خاطر داشتن برگ برنده هنگام مذاکره است.

چارچوب زمانی

- شورش، برای موفقیت خود نیازمند زمان است: جذب، سازماندهی، لجستیک، تجهیز، عملیات مسلحانه و... در یک دوره بلندمدت محقق می‌شود.



نگاهی کلان به این سیاست

- مفهوم بنیادین این سیاست آن است که آمریکا گروه‌های اپوزیسیون را شناسایی کرده و از آنها با سلاح، پول، آموزش و سازماندهی حمایت کند. مطبوعات و رسانه‌های آمریکا می‌توانند عقاید این گروه‌ها را تبلیغ و رهبران آن را از طریق رسانه‌های خود تبدیل به ستاره کنند.

- آمریکا کمک می‌کند تا این گروه‌ها در کشور همسایه ایران به ایجاد پایگاه دست بزنند و کشور میزبان را قانع به همکاری می‌کند همچنین آمریکا آنها را یاری می‌دهد تا زیرساخت‌های خود را برای عملیات علیه ایران توسعه دهند.

- پرسش کلیدی‌ای که آمریکا باید پاسخ دهد این است که چقدر باید به این گروه‌ها کمک نظامی کند!

- سازمان CIA می‌تواند تجهیز و آموزش این گروه‌ها را عهده‌دار شود، همان‌گونه که در چند دهه اخیر در سراسر جهان عمل کرده است.

- اما واشنگتن باید تصمیم بگیرد که آیا حمایت مستقیم نظامی هم از این گروه‌ها صورت بدهد یا نه! این انتخاب مبتنی بر سه سناریو زیر انجام می‌شود:

۱. حمایت عمومی که احتمال موفقیت این گروه‌ها را تسریع و تقویت کند، مانند حمایت آمریکا از نیروهای ائتلاف شمال در افغانستان.

۲. جلوگیری از کشته شدن شورشیان مسلح، مانند واقعه خلیج خوک‌ها در کوبا.

۳. سناریوی حمایت از کشورهای همسایه ایران که به گروه‌های شورشی پناه داده‌اند. زیرا ممکن است ایران به کشورهای همسایه برای اخراج آن گروه‌ها فشار آورد، مانند پناه بردن ویت‌کنگ‌های ویتنام جنوبی به ویتنام شمالی.



الزامات

- دو الزام:

الف) پیدا کردن گروه چریکی،

ب) مشخص کردن کشور همسایه به عنوان پناهگاه.

- حمایت از شورش هزینه دارد اما از هزینه‌های یک جنگ منظم برای اشغال بسیار کمتر است.

یافتن گروه شورشی برای جنگ نیابتی

- مهمترین گروه اپوزیسیون که مورد توجه آمریکاست، سازمان مجاهدین خلق است. ریموند تانتز، مدرس دانشگاه جرج تاون و از حامیان این سازمان معتقد است گروه رجوی بهترین گزینه برای تغییر حکومت به شکل مسلحانه و همچنین بهترین عامل برای جمع‌آوری اطلاعات از درون ایران است. مهمترین موفقیت اطلاعاتی این گروه، کسب و گردآوری اخبار هسته‌ای ایران و انتقال آن به آمریکا بود. این گروه در سال ۱۹۸۱ در یک عملیات بمب‌گذاری، هفتاد مقام عالی رتبه ایرانی را کشت.

یافتن کشور پناهگاه

- آمریکا باید کشورهای همسایه را برای آموزش و سازماندهی و تجهیز این گروه‌ها هماهنگ کند.



محاسن

- این گزینه به‌سادگی قابل حمایت از خارج از ایران است.

- این گزینه، بسیار کم‌هزینه است.

- در این مورد، آمریکا بسیار با تجربه است و در جهان نمونه‌های مشابه متعددی داشته است.

- چون حمایت‌ها مخفی است، کمتر موجب خدشه‌دار شدن موضع آمریکا می‌شود.

معایب

- احتمال موفقیت زیاد را نمی‌توان برای شورش پیش‌بینی کرد، زیرا تغییر رژیم بیشتر از طریق انقلاب مخملی صورت می‌پذیرد و کمتر از طریق شورش محقق می‌شود.
- یک شورش قومی موفق به اهداف محدودتری - مانند جدایی یک منطقه از ایران - می‌شود.

- واکنش ایران به دلیل قوت نیروهای عملیات نامتقارن آن می‌تواند خطرناک باشد.

- تنها گروه غیرقومی که سازمان‌یافته است، گروه مجاهدین خلق است که حمایت مردمی ندارد.

فصل هشتم - کودتا: حمایت از تحركات نظامی علیه ایران

- از شواهد و قرائن این‌گونه برمی‌آید که تحریک مردم ایران برای انجام یک انقلاب، کار مشکلی خواهد بود. اینجاست که بعضی از آمریکایی‌ها مسئله کودتای نظامی را مورد بررسی قرار داده‌اند. نیروهای نظامی هر کشور همیشه این پتانسیل را دارند تا



دولت را معزول کنند.

- با علم به احتمال کودتای نظامی، مهندسی نیروهای نظامی در ایران به‌گونه‌ای صورت گرفته که شانس این اقدام را به حداقل می‌رساند. دو نیروی نظامی کامل در ایران وجود دارد: ارتش و سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، که هر دو برای برآوردن خواسته‌های رژیم با هم رقابت دارند و برای مراقبت از یکدیگر و ایجاد تعادل مورد استفاده قرار می‌گیرند.

- به‌علاوه ایران دارای دستگاه اطلاعاتی و امنیتی فراگیری است که مراقب هرگونه خیانت یا تماس خارجی با نیروهای نظامی خویش است.

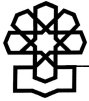
هدف

- هدف نهایی این سیاست، حمایت از کودتای نظامی علیه تهران است تا در پی آن دولتی که هماهنگی بیشتری با منافع آمریکا در خاورمیانه و آسیای مرکزی دارد، جایگزین دولت جمهوری اسلامی شود.

چارچوب زمانی

- زمان‌بندی کودتا به دو دلیل مشکل است. اول اینکه غیرممکن است تا معلوم شود چقدر زمان لازم است تا با هدایت‌کنندگان اصلی کودتا تماس حاصل شود. دلیل اصلی هم عدم حضور رسمی و دیپلماتیک ایالات متحده در ایران است.

- اگر این مشکل مرتفع شود، سنجش اینکه کودتا در چه زمانی اتفاق بیافتد، کار مشکلی خواهد بود.



نگرشی به این سیاست

- برپایی کودتا زمانی سخت‌تر به نظر می‌رسد که با کشوری که دارای توهم توطئه در مورد دخالت‌های خارجی است (مانند ایران) روبرو باشید. ایالات متحده در وهله اول باید با نیروهای نظامی ایران تماس برقرار کند که این مسئله با حساسیت بالایی که در ایران نسبت به آمریکا وجود دارد خیلی سخت است. آمریکا باید به کشورهای ثالث که به نیابت از آمریکا در صحنه حضور دارند اطمینان کند. این مسئله پیچیدگی کار را دو چندان می‌کند.

- سرعت عمل، کنترل نیروهای تحت امر و سرکوب مخالفین از دیگر اجزای این طرح هستند.

- یک نمونه تاریخی برجسته از کودتاهای خارجی در ایران، عملیات آژاکس در سال ۱۹۵۳ است که منجر به سرنگونی دولت مصدق شد.

- امروزه برای مهندسی کودتا، ایالات متحده می‌تواند نقش چندگانه‌ای را ایفا کند. یک مسئله مهم این است که واشنگتن می‌بایست نسبت به مداخله نظامی برای کمک به کودتاگران قبل از شروع کودتا، به تصمیم برسد. هر چند آماده‌سازی نیروها برای این کار در اطراف ایران، ممکن است ایران را حساس کند و منجر به افشای طرح کودتا شود. از طرفی حمایت نظامی می‌تواند مشروعیت طراحان کودتا را خدشه‌دار کند. از همه مهمتر، مداخله مستقیم نظامی در صورت شکست کودتا منجر به جنگ میان ایالات متحده و ایران خواهد شد.

الزامات

- مهمترین رکن این کودتا این است که اطلاعات هوشمند قابل ملاحظه‌ای در دسترس باشد. فقدان این اطلاعات منجر به شکست کودتا و کشف عوامل کودتا خواهد شد.



محاسن

- حتی یک طرح کودتای ناموفق ممکن است باعث شود تا ایران به همکاری بیشتری تن در دهد و به امور داخلی خود مشغول شود.
- اگر طراحان کودتا موفق شوند، آنان سپاسگزار حمایت‌های آمریکا خواهند بود و به همین دلیل روابط خوبی را با آمریکا خواهند داشت.

بخش چهارم - بازدارندگی تهران: گزینه مهار (محدودسازی)

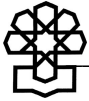
- وقتی کشوری برای سازش دیپلماتیک بیش از اندازه متخاصم است و برای تهاجم بیش از اندازه قوی است و برای گزینه شورش بیش از اندازه سرکوب‌گر است، به تبع تنها راه باقی‌مانده مهار خواهد بود.

- به دلیل شکست واشنگتن در گزینه‌های دیگر، می‌توان گفت مهار پیش‌فرض سیاست آمریکا در قبال ایران در سی سال گذشته بوده است.

- عنصر اصلی این سیاست، تحریم‌های اجرا شده از سوی آمریکا است و علاوه بر آن آمریکا سعی کرده سایر کشورها را از تجارت و سرمایه‌گذاری در ایران و فروش اسلحه به ایران دلسرد کند.

- غیر از موارد معدودی که نیت آمریکا تعامل با ایران بوده است، آمریکا به صورت کلی سعی کرده تا ایران را از جنبه‌های دیپلماتیک، اقتصادی و نظامی و هر راه امکان‌پذیر دیگری در جهان ایزوله کند.

- موفقیت سیاست مهار در این دوره، متغیر بودن آن است. امروزه به نظر می‌رسد که ایران یک نیروی قوی‌تر در معادلات خاورمیانه نسبت به تمامی زمان‌های پس از



انقلاب است. لذا به دلیل این نتیجه، سیاست مهار نیز شکست خورده است.

فصل نهم - پذیرش غیرقابل قبول‌ها: مهار

- مانند گذشته، شاید انتخاب مهار، آخرین گزینه پیش‌روی آمریکا باشد.
- اگر واشنگتن نتواند تهران را از برنامه‌های هسته‌ای و رفتارهای مسئله‌ساز آن منصرف سازد و نتواند یا نخواهد که رژیم را سرنگون کند و نتواند و نخواهد تهاجم کرده یا از حمله هوایی استفاده کند و یا از حمله هوایی اسرائیل بر علیه ایران اتمی سود ببرد، تنها راه، انتخاب مهار خواهد بود.

هدف

- هدف استراتژی مهار علیه ایران، ممانعت تهران از آسیب‌رساندن به منافع آمریکا در آسیای مرکزی و خاورمیانه است.

- از نظر نظامی، هدف، ممانعت از رفتار تهاجمی ایران است.

- از نظر دیپلماتیک، هدف ممانعت از به‌دست آوردن هم‌پیمان توسط ایران است.

- از نظر اقتصادی، هدف ضعیف کردن ایران است.

- احتمال این وجود دارد که مهار بتواند ایران را از دستیابی به سلاح هسته‌ای منصرف کرده و یا حتی به سرنگونی حکومت آن منجر شود.

چارچوب زمانی

- مهار ساده‌ترین چارچوب زمانی را دارد، چرا که به سرعت اجرا شده و تا پایان حکومت جمهوری اسلامی باقی می‌ماند.



نگاه کلان به این سیاست

- مهار ممکن است ساده‌ترین گزینه باشد زیرا در ۳۰ سال اخیر علیه جمهوری اسلامی و در جنگ سرد علیه شوروی و علیه کوبا و کره شمالی به‌کار رفته است.

- مهار علیه ایران مانند مهار علیه شوروی، به دنبال تضعیف آن است و توقع می‌رود ناکارآمدی نظام باعث نابودی آن شود.

تحریم‌ها

- عملکرد کلیدی در مهار، تحریم‌های قوی هستند.

- لیست تحریم‌های ممکن:

۱. منع فروش‌های نظامی به ایران.
 ۲. منع فروش تکنولوژی‌های سطح بالا به ایران.
 ۳. تحریم سرمایه‌گذاری و تجارت با ایران.
 ۴. محدود کردن سفرهای کارمندان ایرانی.
 ۵. محدود کردن انتقال پول نقد به ایران.
 ۶. محدودیت خرید و فروش نفت و گاز ایران.
- با توجه به اینکه آمریکا تمامی این تحریم‌ها را تاکنون به اجرا درآورده است، مشکل اصلی قبولاندن این تحریم‌ها به کشورهای دیگر همچون اروپا، روسیه، چین، آسیای شرقی و هند علیه ایران است.



الزامات دیپلماتیک

- آمریکا باید با کشورهای منطقه برای ایجاد و حفظ پایگاه‌های نظامی خود همکاری دیپلماتیک داشته باشد.

الزامات ضد چریکی

- ایران در جنگ نامتقارن توانایی منحصر به‌فردی دارد و آمریکا در مقابله با این موضوع محدودیت‌های گسترده‌ای دارد.

الزامات سیاسی

- گزینه محدود کردن ایران کار ساده‌ای نیست و از سوی دیگر نیز همزیستی با ایران هسته‌ای امکان‌پذیر نیست. لذا گزینه محدودسازی ایران نیازمند اقتناع سیاسی مردم آمریکاست.

نتیجه‌گیری: مهندسی سیاست یکپارچه ایران: تجمیع گزینه‌ها

- هیچ‌کدام از سیاست‌های مذکور در قبال ایران، حتی در صورت تعیین موفقیت توسط مقامات مسئول، شانس موفقیت بالایی را ندارند. هیچ گزینه‌ای تمامی منافع ملی آمریکا را با هزینه کم و حداقل ریسک تأمین نمی‌کند.

- به بیان دیگر، کلیه سیاست‌ها، پتانسیل بالایی در نقش‌آفرینی با یکدیگر را دارند.

- درواقع، مشکل ایران به قدری بزرگ است که، هر سیاست واقع‌مدارانه در قبال ایران حداقل باید از دو گزینه یا بیشتر تشکیل شده باشد.



- حکومت اوپاما متوجه این واقعیت شده است.

- از این گذشته، تمامی این سناریوها می‌تواند به‌عنوان تهدیدات ضمنی در رویکرد اقلانعی مطرح باشد، که در این صورت از به‌کارگیری هر کدامشان به تنهایی بهتر خواهد بود. به بیان دیگر، ایالات متحده می‌تواند عدم تمایل ایران بر سر مذاکرات را به‌عنوان سخت‌تر شدن گزینه‌های خود اعلام کند، که در آن صورت گزینه نظامی مقبولیتی بیش از آنچه اکنون دارد پیدا خواهد کرد. استنباط بر این است که اگر تهران تمایل به سازش ندارد، پس خودش را در جنگی قرار داده است که تمایلش را ندارد. این تهدیدات قابلیت این را دارند که به‌عنوان جایگزین در سیاست ایالات متحده در قبال عدم پذیرش سازش از سوی ایران مطرح شوند، چنانچه در این زمینه اوپاما نیز مرتباً عدم دور کردن گزینه نظامی در تصمیم‌گیری را تکرار می‌کند.

- در صورت رد مذاکرات ایران در سیاست اقلانعی، تمامی رویکردهای تغییر رژیم همچنان به‌عنوان روش‌های جذاب‌تر مطرح خواهند بود و مطمئناً روش‌های تغییر رژیم، تبعات دیپلماتیک کمتری از سوی منطقه و دولت‌های اروپایی علیه آمریکا خواهد داشت.

تغییر رژیم

- اگرچه مطالعه هر سیاست در تلفیق با گزینه‌های دیگر کاری غیرعملی است، اما در مطالعه تطبیقی و ارائه استراتژی‌های متفاوت و همه‌جانبه‌ای که دولت اوپاما بتواند در غالب آن، گزینه‌های متفاوت را یکپارچه کند، سودمند خواهد بود. تغییر رژیم، استراتژی دیگری است که نقش بسیاری از متغیرها را دربرخواهد گرفت.

- تا جایی که امکان بهره‌گیری از هر سه روش تغییر رژیم - انقلاب مخملی، شورش و



کودتا - وجود دارد، دولت آمریکا باید پیگیری همزمان هر سه مورد را در دستور کار خود قرار دهد، تا شانس موفقیت بیشتر از پیگیری هر مورد به تنهایی باشد. انتخاب هر سه روش به دلیل اثر هم‌افزایی نیز بهتر خواهد بود. به‌علاوه، این فشار چندجانبه بر تهران، سبب خسته‌شدن توانایی‌های اطلاعاتی و امنیتی رژیم در روند تصمیم‌گیری شده و احتمال انجام خطا توسط ایران را بیشتر کرده تا سایر روش‌ها موفق شوند.

- سیاست براندازنده حکومت ایران باید شامل طرح تهاجم تمام عیار باشد تا بتواند در صورت بروز اتفاقات افراطی، مورد استفاده قرار گیرد. مطمئناً در صورت شکست حمایت‌های آشکار و پنهان، در سیاست تغییر رژیم، رئیس‌جمهور باید آماده اجرای تنها راه‌حل باقیمانده یعنی تهاجم باشد.

- در نهایت باید اذعان داشت که کلیه راه‌های تغییر رژیم نیازمند موافقت دولت آمریکا هستند به جهت آنکه در صورت مقابله به‌مثل ایران، بتوانند از پشتیبانی نظامی (حداقل به‌صورت حمله هوایی) برخوردار باشند. انقلابات مردمی تنها زمانی به نتیجه می‌رسند که دولت‌ها نخواهند و یا نتوانند از نیروهای نظامی خود علیه مردم استفاده کنند، دفع شورش‌ها نیز نیاز به مداخله نظامی مستقیم دارد - چه در هنگام رخداد یک فاجعه، مانند آنچه در خلیج خوک‌ها رخ داد و چه در هنگام نزدیک شدن به پیروزی نهایی، مانند افغانستان در سال ۲۰۰۱ - کودتا نیز در اغلب اوقات نیاز به خنثی کردن واحدها و تأسیسات ویژه‌ای دارند که به آنها اجازه می‌دهد تا گسترش یابند.

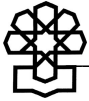
- به‌علاوه، تغییر رژیم نیازمند پیگیری همزمان گزینه مهار است. در صورتی که آمریکا اقدام به براندازی حکومت ایران کند، شرارت ایران در خارج سبب گسترده شدن منازعه به بحران اقتصادی، سیاسی و نظامی می‌شود. ایالات متحده می‌خواهد با انکار



ایران، به تهدید علیه همسایگانی دست بزند که به گروه‌های مخالف و شورش‌ها کمک می‌کنند. جریمه، بازدارندگی نظامی، انزوا و مبارزه اقتصادی عناصر کلیدی مهار را به تصویر می‌کشند، تا به این عنوان بتوان، به سیاست تغییر رژیم کمک کرد.

- همان‌طور که در بخش‌های قبلی بیان شد، دلیل بسیار مهم یکپارچه کردن سیاست‌های متفاوت در قبال ایران، همان است که بتوان تغییرات را در صورت شکست یک یا چند گزینه پیش برد. توجه به پیامدهای غیرمنتظره سیاست جدید، بسیار حائز اهمیت است چرا که طبیعت چندگانه و پویای خاورمیانه مستعد پیامدهای غیرمنتظره و تصادفی است. پیچیدگی و تناوب سیاست در قبال ایران، نتیجه بازه وسیع تغییرات و حساسیت بالای آنهاست.

- ظهور یک رهبر کاریزماتیک اپوزیسیون در ایران می‌تواند تمامی معادلات آمریکا در خصوص ایران را چینش مجدد کند. اما اگر ایران شکست خورده و یک نفر سربربیاورد و محبوبیت عامه یافته و برتری جوید، آنگاه تفکر آمریکایی با ظهور یک ماندلا، هاول، بولیوار و یا یک لخ والسای ایران - کسی که بتواند وحدت اپوزیسیون ایرانی و اجماع توده را به‌وجود آورد، تغییر شکل می‌یابد. اولاً ظهور این مرد یا زن، می‌تواند گزینه تغییر رژیم را محتمل‌تر از زمان حال کند. (و ما پشتیبانی آمریکا از انقلاب مردمی را در بروز حتمی یک رهبر رد نخواهیم کرد.) و دوم آنکه برای ایالات متحده خوشایند نخواهد بود که به شخصی خیانت کند که توانسته است یک اپوزیسیون دمکراتیک را سازماندهی کند. ممکن است دولت آمریکا متقاعد شود با پشتیبانی از شورش‌ها و حمله هوایی، ایران را تحت فشار قرار دهد تا از کشتن و زندانی کردن آن رهبر کاریزماتیک توسط ایران ممانعت به‌عمل آورد. و اگر ایران



دست به چنین کاری بزند، آنگاه حمایت سیاسی داخلی آمریکا و حمایت دیپلماتیک بین‌المللی، برای سیاست‌های بیشتر تهاجمی آمریکا از جمله تهاجم زمینی فراهم می‌شود همچنین اگر این رهبر از ایالات متحده درخواست عدم تحریک قومیت‌ها و عدم حمله نظامی را داشته باشد، تا اینکه تلاش‌هایش خراب نشود، آنگاه آمریکا قطعاً گزینه‌های تهاجمی را کنار خواهد گذاشت.

- آخرین نکته، برجستگی سیاست‌های ایران در میان کلیه مسائل پیش‌روی آمریکاست. واضح‌ترین موضوع این است که دولت اواما در شرایطی باید تصمیم خود مبنی بر اولویت‌بندی در سیاست ایران را بگیرد که در میانه بدترین بحران اقتصادی در ۸۰ سال اخیر قرار گرفته است. در این شرایط رقابتی بر سر مهمتر بودن، بین سیاست‌های مطرح شده در قبال ایران و نیازهای اقتصادی آمریکا صورت می‌گیرد.

کدام راه به سوی ایران؟

- یکپارچه کردن سیاست‌ها در قبال ایران، موضوعی بسیار پیچیده و مبهم است.
- نادیده انگاشتن ایران دیگر مانند گذشته یک راه واقع‌گرایانه نیست. ایران در یک بازه وسیع عمل می‌کند و موجبات نگرانی آمریکا را فراهم می‌کند و در این میان اهمیتی به سردرگمی آمریکا نمی‌دهد.

- و ما به‌دنبال زمانی هستیم که نه تنها ایران برای آمریکا سمی در خاورمیانه محسوب نشود بلکه حتی دوست او باشد.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۹۸۰۶

عنوان گزارش: ماهنامه کاوش (۲۹)

نام دفتر: مطالعات سیاسی

تهیه و تدوین: محمود هاشمی چمگردانی

ناظر علمی: ناصر جمالزاده

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: مهدی جاودانی مقدم

سر ویراستار: حسین صدری نیا

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۵/۲۷